





اربعین اقتصاد

که ای صوفی شراب آنکه شود صاف
که در شیشه برآرد اربعینی

اربعین اقتصاد

- به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی
- نویسنده: حجت الاسلام سید محسن اسداللهی
- ویراستار: حسین حبیبی فهیم
- صفحه آرایی: موسی محمدآبادی
- سال: ۱۴۰۳
- قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ تومان



مرکز پخش کتب شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی (هم قلم)
آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲
ایتای اداره راهبری: rahbary_mohtava@eita.com
شماره تماس: ۰۲۱۹۱۳۰۰۳۲۲ داخلی ۴
شماره همراه: ۰۹۳۰۷۸۱۳۰۵۷

مقدمه

مبحث اول

اربعین، بهترین الگوی زندگی

- ۱۱
۱۳ اربعین و اقتصاد فرهنگی
۱۳ از اربعین چه می‌خواهیم؟
۱۴ الگو بودن اسلام در زیست بشری
۱۵ اقتصاد بر اساس محبت ناشی از ولایت
۱۵ ولایت طولی و ولایت عرضی
۱۶ اُخوّت محوری
۱۹ موانع پذیرش
۲۱ اثر این نوع نگاه

مبحث دوم

تمدن سازی

- ۲۳
۲۵ ضرورت تمدن سازی
۲۶ اقتصاد، از مهم‌ترین ابزارهای تمدن سازی
۲۷ فرهنگ اقتصادی اربعین، نمونه‌ای از اقتصاد مهدوی
۲۸ هجرت از سودجویی محض، به ایثار و از خودگذشتگی
۲۹ رفتار عقلایی در اقتصاد سرمایه‌سالار
۲۹ بذل مال و جان، مقدمه ساخت تمدن نوین اسلامی
۳۰ گستردگی و تنوع رفتارهای اربعینی

مبحث سوم

رزق لایحتسب

- ۳۵
۳۷ رزق لایحتسب چیست؟
۳۸ هدیه بهتر از کیمیا
۳۹ تقوا و توکل، شرط رزق لایحتسب
۴۰ معنای تقوا



- ۴۱ تقوای اجتماعی
- ۴۲ اقتصاد مقاومتی معنای تقوای در اقتصاد
- ۴۳ اقتصاد مقاومتی و اربعین
- ۴۳ اقتصاد دوران ظهور چگونه است؟
- ۴۵ مردم محوری در اربعین
- ۴۵ رویکرد جهادی در اربعین
- ۴۶ بذل مال، مقدمه بذل جان

مبحث چهارم

۴۷ آخرت طلبی

- ۴۹ آخرت طلبی چیست؟
- ۵۰ معیارهای آخرت طلبی
- ۵۱ حد درآمد و حد مصرف
- ۵۳ مصرف گرایی، از مهم ترین معضلات عصر مدرن
- ۵۵ کشتی نجات چه فرقی با چراغ هدایت دارد؟
- ۵۵ اربعین، کشتی نجاتی در منجلا ب مصرف گرایی
- ۵۶ رفتارهای اقتصادی اربعینی، الگوی سال اقتصادی مردم

مبحث پنجم

۵۹ کریمانه و عزتمندانه

- ۶۱ اخلاق اربعینی
- ۶۲ برخورد کریمانه
- ۶۲ حفظ عزت افراد
- ۶۴ منافات نداشتن آخرت طلبی با سودجویی
- ۶۶ ارزش افزوده
- ۶۶ آیا غربی ها هم عزتمندانه و با مهربانی رفتار می کنند؟
- ۶۷ دلیل برخی رفتارهای بد در سفر اربعین
- ۶۷ باید سم زدایی کنیم
- ۶۸ سرایت فرهنگ اقتصادی اربعین به تمام سال

مبحث ششم

۶۹ مستقل و مردمی

- ۷۱ مردم، موتور محرکه اربعین
- ۷۱ دو جنبه رفتارهای اقتصادی در اربعین
- ۷۲ بیان اهداف و رفتارهای چهارگانه اقتصاد اسلامی
- ۷۴ مردمی بودن اقتصاد یعنی چه؟
- ۷۶ مردم محور بودن اقتصاد اربعین

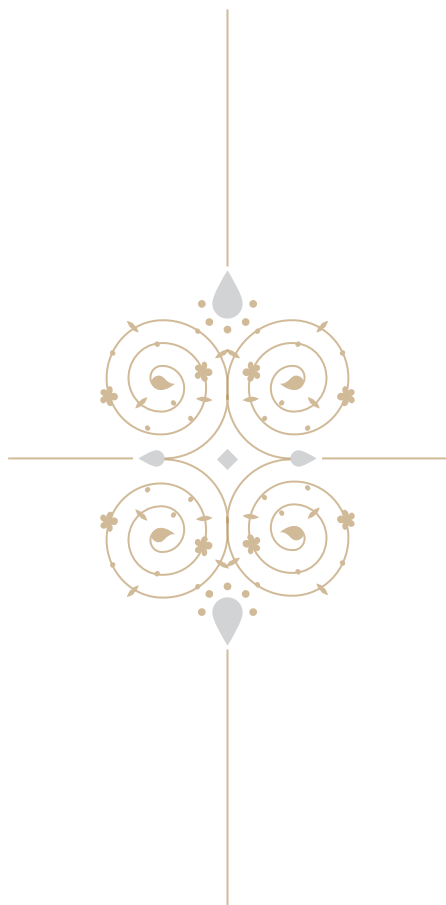
مبحث هفتم



۷۹ عدالت محوری

- ۸۱ ابتدایی‌ترین هدف عدالت
- ۸۲ دولت ثروتمندان
- ۸۲ حسرت قشر متوسط و ضعیف
- ۸۳ بیل گیتس و قارون!
- ۸۴ اربعین و عدالت محوری
- ۸۵ نبود تفاخر و تکاثر
- ۸۶ اثر تفاخر و تکاثر در اقتصاد جامعه
- ۸۷ مافیا چگونه شکل می‌گیرد؟
- ۸۷ در سفر اربعین تفاخر و تکاثر وجود ندارد!
- ۸۸ دور از غلّ و غش
- ۸۹ منفعت‌طلبی، اساس غلّ و غش
- ۸۹ سر خدا نمی‌شود کلاه گذاشت!
- ۹۰ دور از حرص و طمع





مقدمه

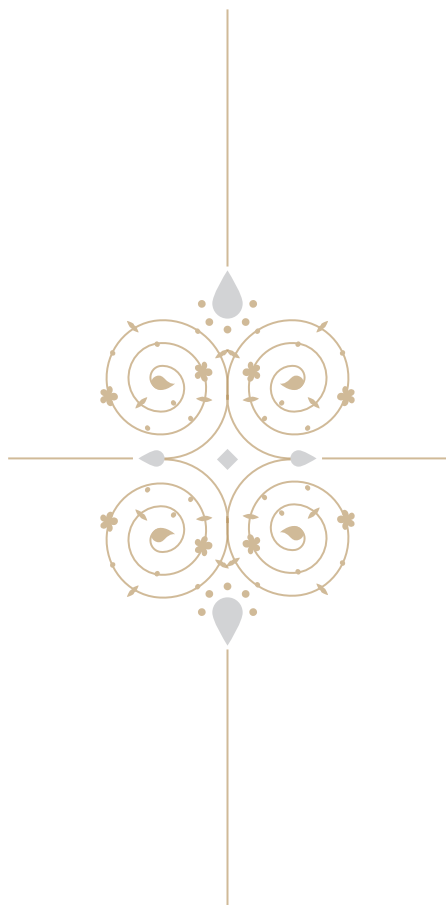
بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تحولات مهمی که در جهان اسلام رخ داد، یکی از نشانه‌ها و علامت‌های مومن - که در روایات به آن اشاره شده است - احیا شد. هرچند قبل از پیروزی انقلاب نیز وجود داشت، اما در سال‌های اخیر، سفر اربعین به عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادهای در جهان تشیع و حتی جهان اسلام شناخته می‌شود. این همایش بزرگ و وحدت‌بخش، رسالت‌های بسیاری دارد، از جمله ترویج تعاملات اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی با محوریت محبت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام.

در این نگاشته، نگاهی موشکافانه به این همایش عظیم و رفتار اقتصادی مردم نسبت به یکدیگر خواهیم داشت. به گونه‌ای که اقتصاد اربعین، ظرفیت عظیم اقتصادی مردم شیعه را برای مقدمه‌سازی ظهور حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نشان می‌دهد. در اینجا، دیگر مردم برخلاف نظام مادی‌گرای غرب، تنها برای منفعت اقتصادی دنیوی فعالیت نمی‌کنند؛ بلکه با بذل مال و جان خود بر اساس محبت سیدالشهدا علیه السلام، در این مسیر گام برمی‌دارند.

نوشته پیش رو در هفت مبحث به ابعاد مختلف اقتصاد اربعین که زمینه‌ساز اقتصاد دوران ظهور خواهد بود، می‌پردازد. امید است که این تلاش مورد رضایت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف قرار گیرد.

مبحث اول

اربعین، بہترین الگوی زندگی





اربعین و اقتصاد فرهنگی

زیارت اربعین از نشانه‌های مؤمن شمرده شده است و یکی از جنبه‌های ایمان را می‌توان در مسائل اقتصادی مشاهده کرد. هدف ما ارائه یک الگوی رفتار اقتصادی است که «اقتصاد فرهنگی» نامیده می‌شود و بهره‌برداری از اربعین و سرایت آن به کل سال و تمام رفتارهای انسان است.

از اربعین چه می‌خواهیم؟

در روایات، زیارت اربعین از نشانه‌های مؤمن شمرده شده است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةٌ إِحْدِي وَ خَمْسِينَ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَ التَّخَمُّمُ بِالْيَمِينِ، وَ تَعْفِيرُ الْحَبِينِ، وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: اول: ۵۱ رکعت نماز (واجب و نافله در طول شبانه‌روز)؛ دوم: زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام؛ سوم: انگشت در دست راست نمودن؛ چهارم: پیشانی بر خاک نهادن؛ پنجم: بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در نمازهای جهریه (صبح، مغرب و عشاء).^۱

زیارت اربعین اعتقاد قلبی شیعیان را بیان می‌کند؛ یعنی آن چیزهایی را که هر مؤمنی باید قلباً بدان‌ها معتقد باشد تا در زمره مؤمنین درآید، بیان می‌کند.



۱. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۰.

رفتارهایی که در زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در اربعین از شیعیان سر می‌زند، کاملاً با محبت قلبی به حضرت و در مسیر رضای خداوند قرار دارد؛ از این رو می‌توان گفت: رفتارهای شیعیان در اربعین می‌تواند در زمینه‌های گوناگون به عنوان الگو پیش روی مؤمنین قرار گیرد. یکی از جنبه‌های زندگی در مسائل اقتصادی است که ما به دنبال یک الگوی مناسب در این زمینه هستیم. هدف ما ارائه یک الگوی رفتار اقتصادی است که «اقتصاد فرهنگی» نامیده می‌شود و بهره‌برداری از اربعین و سرایت آن به کل سال و کل رفتارهای انسان است. اگرچه در طول تاریخ بعد از شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام تا انقلاب اسلامی، زیارت حضرت رواج داشته، ولی در سال‌ها و دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی، این زیارت با آسایش و امنیت برقرار شده است؛ از این رو ابعاد متفاوت این سفر معنوی بهتر مشاهده و درک می‌شود.

الگو بودن اسلام در زیست بشری

دین مبین اسلام در زمینه‌های مختلف برنامه و الگو برای زندگی بشر ارائه کرده است. یکی از این زمینه‌ها الگوی اقتصادی است که در مراسم اربعین سیدالشهدا علیه السلام نیز قابل مشاهده و الگوگیری است. محبتی که شیعیان به ولی خود دارند، باعث شده تا سفره‌های گسترده‌ای در عتبات و اماکن زیارتی گسترده شود که یکی از الگوهای زیست اقتصادی بهتر و برتر اقتصاد اربعینی را می‌توان از این رفتار محبین و شیعیان برداشت نمود. این رفتار ناشی از محوریت ولایت است و همین دلیل از زائران پذیرایی می‌کنند. این رفتار ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله این که بی‌توجه به انسانیت و انسان‌های دیگر نیست و از هر کس که گام در این راه نهاده، به گرمی استقبال می‌شود. این الگو بر محور انسانیت بنا نهاده شده و بر محور ولایت رقم خورده است تا بتوانند زیست بهتری را ارائه دهد. این پذیرایی و این فرهنگ می‌تواند الگوی جامعه مسلمان و حتی کل بشر قرار گیرد.



اقتصاد بر اساس محبت ناشی از ولایت

چهار عنصری که محور و مبنای رویدادهای مربوط به اربعین است، این‌هاست:

انسان محوری؛ مسلمان محوری؛ اخوت محوری؛ ولایت محوری

در اربعین، محور همه حرکت‌ها ولایت است و در چنین حالتی، سه عنصر دیگر نیز محقق می‌شود: «چو صد آید، نود هم پیش ماست»، شیعیان حول محور ولایت قرار می‌گیرند و با همه توان سعی در خدمت‌رسانی به افرادی که به عشق اباعبدالله الحسین (علیه السلام) حضور یافته‌اند را دارند. حب اهل بیت (علیهم السلام) در جای‌جای این حرکت معنوی موج می‌زند؛ به‌گونه‌ای که فرد هرچه دارد، در طبق اخلاص قرار می‌دهد تا در این مسیر، عرض ارادتی به زائران حضرت داشته باشد. این اثر ولایت، چنان قلوب را تحت تأثیر قرار می‌دهد که شخص به هیچ عنوان منفعت شخصی خود را لحاظ نمی‌کند و فقط کافی است کلمه «لله حسین» را بشنود تا عمیق‌ترین ارادت خود را به حضرت نشان دهد. در این مسیر رفتارهایی مشاهده می‌شود که با رفتارهای اقتصادی حاکم بر دنیای مادی قابل مقایسه نیست. در دنیای مادی امروز، افراد برای کسب منافع دنیوی ممکن است دست به هر کاری بزنند، ولی در ساختار اقتصادی که اربعین ارائه می‌دهد، با محبت ناشی از ولایت و معرفت ولایی، فرد دارایی خود را خالصانه در این راه هزینه می‌کند.

ولایت طولی و ولایت عرضی

«ولایت» کلان‌نظریه سیاسی اجتماعی تشیع است. امام صادق (علیه السلام) به عنوان رئیس مذهب، طول و عرض این ولایت را صورت‌بندی کرده‌اند. مراد از «ولایت طولی»، ولایت خدا، پیامبر، امام معصوم، فقیه جامع‌الشرائط و مؤمن عادل است. «ولایت عرضی» نیز ولایت مؤمنین با یکدیگر حتی مستضعفین اعتقادی است. باید توجه داشت که ولایت طولی، حکومت‌ساز و ولایت عرضی، جامعه‌ساز است.

روشن است که تا جامعه‌ای یکپارچه شکل نگیرد، حکومت مطلوب



شیعه نیز شکل نمی‌گیرد. اگر هم شکل بگیرد، دچار آسیب خواهد بود. در این جا مسئله درباره ولایت عرضی است؛ یعنی پیوستگی و پیوندهای اجتماعی‌ای که مردم باید با یکدیگر داشته باشند، در ولایت عرضی فرد بالاتر دیگری نیست؛ بلکه همه پهلوه‌به‌پهلوه و هم‌عرض با ولایت قرار دارد.^۱

یکی از بارزترین مصادیق تحقق این ولایت عرضی را در اربعین مشاهده می‌کنیم. هم‌بستگی بین انسان‌ها در اوج خود قرار دارد و از آثار و پیامدهای ولایت، حرمت نهادن به انسان ب‌ماهو انسان و بدون توجه به رنگ و پوست و نژاد و مذهب است. همان چیزی که در مرام اهل بیت علیهم‌السلام وجود داشته و همه را در بر می‌گرفته است. اصلاً در دستگاه اباعبدالله الحسین علیه‌السلام وجود هم‌بستگی بین عزاداران و محبین به‌طور شفاف و تأثیر برانگیزی دیده می‌شود. حتماً برای شما پیش آمده است که در جلسه هیئت از خودگذشتگی کرده‌اید تا دیگر عزاداران در راحتی باشند. جای نشستن نبوده و همه باهم جایی را برای اشخاص تازه‌وارد باز کرده‌اید؛ یا پذیرایی به فردی نرسیده و به او کمک کرده‌اید یا حتی از غذای خود گذشته‌اید تا او بهره‌مند شود. اینها در دستگاه اباعبدالله الحسین علیه‌السلام به وفور مشاهده می‌شود که در جای دیگری نخواهیم دید.

أُخُوْتُ مَحَوْرِي

أُخُوْتُ به دو نوع اخوت خاص و اخوت عام است. روایت داریم که سی حق بر گردن برادر دینی است که یا باید ادا کند یا برادر دینی بگوید از حقم گذشتم. امام علی علیه‌السلام از حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل فرمود:

لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا؛ مسلمان بر برادر مسلمانش سی حق دارد:
لَا بَرَاءَةَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ؛ که از آنها رهایی نمی‌یابد، مگر به ادای این حقوق یا بخشش برادر مسلمانش.
وَيَعْفُو زَلَّتْهُ؛ لغزش‌های او را ببخشد.

۱. نظریه «مبنای ولایه طرفینی» از استاد قنبریان.



وَيَرْحَمُ عَثْرَتَهُ؛ به اشک چشم و اندوه او رحم کند یا در مقابل اندوهش دلسوزی کند.

وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهُ؛ زشتی‌های او را [از دیگران] مخفی نماید.

وَيُقِيلُ عَثْرَتَهُ؛ از لغزشش درگذرد (ظاهراً «عثره» خفیف‌تر از «زَلَّة» است؛ یعنی «زلته» در بند اول شدیدتر از «عثره» است).

وَيَقْبَلُ مَعْدِرَتَهُ؛ عذرش را بپذیرد.

وَيَرْزُقُ غَيْبَتَهُ؛ اگر غیبتی از او شد، رد نماید یا از غیبتش جلوگیری کند (منظور این است که وقتی از برادر مسلمان‌ش غیبت کردند، مانع از غیبت کردن بشود و آن را رد کند).

وَيُدِّيمُ نَصِيحَتَهُ؛ پیوسته خیرخواه او باشد یا همواره او را نصیحت کند.

وَيَحْفَظُ خُلَّتَهُ؛ دوستی‌اش را پاس بدارد.

وَيَزَعِي ذِمَّتَهُ؛ نسبت به قرض و دینش جانب مراعات را نگه دارد.

وَيَعُودُ مَرَضَتَهُ؛ از او عیادت کند.

وَيَسْهَدُ مِيَّتَتَهُ؛ هنگام فوتش حاضر باشد و تشییعش کند.

وَيُجِيبُ دَعْوَتَهُ؛ دعوتش را اجابت کند.

وَيَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ؛ هدیه‌اش را بپذیرد.

وَيُكَافِي صِلَتَهُ؛ لطفش را بی پاسخ نگذارد.

وَيَشْكُرُ نِعْمَتَهُ؛ نعمتش را شکر گوید.

وَيُحْسِنُ نُصْرَتَهُ؛ او را به نیکی یاری کند.

وَيَحْفَظُ حَلِيلَتَهُ؛ ناموسش را حفظ کند.

وَيَقْضِي حَاجَتَهُ؛ حاجتش را برآورد.

وَيَسْفَعُ مَسْأَلَتَهُ؛ خواسته‌اش را شفاعت کند.



وَيُسَبِّتُ عَظْمَتَهُ؛ عطسه اش را تحیت گوید.

وَيُرْسِدُ ضَلَالَتَهُ؛ گم شده اش را راهنمایی کند.

وَيَزِدُّ سَلَامَهُ؛ سلامش را پاسخ گوید.

وَيُطِيبُ كَلَامَهُ؛ کلامش را مبارک و شیرین پندارد.

وَيُزِيْرُ إِتْعَامَهُ؛ در مقابل محبت و انعامش به نیکی جواب دهد.

وَيُصَدِّقُ أَقْسَامَهُ؛ سوگندهایش را تصدیق کند.

وَيُوَالِي وَلِيَّتَهُ (وَلَا يُعَادِ)؛ با دوستانش دوستی کند.

وَيَنْصُرُهُ ظَالِمًا وَمَظْلُومًا، فَأَمَّا نَصْرُهُ ظَالِمًا فَيَرْدُهُ عَنْ ظُلْمِهِ وَأَمَّا نَصْرُهُ مَظْلُومًا فَيُعِينُهُ عَلَى اخْذِ حَقِّهِ؛ چه در حال ظالم بودن و چه مظلومیت، یاری اش کند. اما یاری کردن در حال ظالم بودن، در این است که او را از ظلم بازدارد، و یاری کردن در حال مظلومیت، در کمک کردن برگرفتن حق است.

وَلَا يُسْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ؛ او را خوار و ذلیل نکند.

وَيُحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ؛ آن چه برای خود می پسندد، برای او نیز بخواهد.

وَيَكْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ؛ آن چه برای خود نمی پسندد، برای او نیز نپسندد.

ثُمَّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ؛ سپس امام علی عليه السلام فرمود: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرمود:

إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَدْعُ مِنْ حُقُوقِ أَخِيهِ شَيْئًا فَيُطَالِبُهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقْضَى لَهُ وَعَلَيْهِ؛ هر کس از شما چیزی از حقوق برادرش را واگذارد، در روز قیامت از او مطالبه می شود و بر عهده اوست که برایش به جا آورد.^۱

آیت الله شاه آبادی رحمته الله استاد عرفان حضرت امام خمینی رحمته الله می فرمایند: بعد



از این که اصل اول را خیط نبوت و ولایت معرفی می‌فرمایند، اصل دوم را به عنوان خیط اخوت و نخ تسبیح جامعه ولایت محور اخوت تبیین می‌کنند:

اصل دوم: [خیط اخوت] توسعه اجتماعات مذهبی برای ارتباط و دوستی متدینین با یکدیگر که به منزله خیط اخوت است؛ چنان که فرموده: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۱ تا به واسطه این دو خیط طولی و عرضی، تحصیل لباس تقوا و لباس جندالله نموده و لشکر کفر و نفاق و فسق و فساد را از عالم، قلع و قمع نمایند.^۲

یکی از مهم‌ترین مصادیق تحقق اخوت و تألیف قلوب در زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. چگونه مؤمنین از عمق دل و بر محور محبت ولی خدا با یکدیگر جمع می‌شوند و برادرانه یکدیگر را در آغوش می‌گیرند؟! بین دو ملت ایران و عراق به واسطه دشمنی‌های استکبار جهانی جنگ هشت ساله‌ای در گرفت و ظاهراً باید مردم این دو کشور از یکدیگر متنفر باشند؛ ولی می‌بینید که محبت اباعبدالله الحسین علیه السلام این گونه برادری را بین این دو ملت برقرار کرده است.

موانع پذیرش

اولین مانع حصول اخوت، نداشتن معرفت یا همان نشناختن محور ولایت است. به بیان ساده‌تر: چون نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم روش‌ها و منش‌های بیان شده در اسلام الگوهای رفتاری مناسبی هستند، لذا آن را نمی‌پذیریم. پس شناخت و معرفت نقش بسیار مهمی دارد.

محبت به ولی خدا پس از شناخت و معرفت است. در اربعین محبت وجود دارد، ولی اگر معرفت در آن نباشد، محبت به تنهایی به انحراف کشیده می‌شود؛ چون این‌جا خط باریک‌تر از پوست و ممکن است فرد حرکتی انجام دهد که در مسیر ولایت ولی نباشد. محبت به تنهایی

۱. آل عمران، ۱۰۳.

۲. رک: شاه‌آبادی، شذرات المعارف.



مجاز مشروعیّت عمل نمی‌شود. اگر معرفت شکل گرفت، محبت هم به صورت قهری در فرد ایجاد می‌شود. این محبت زاییده معرفت است و اگر این معرفت نباشد، آن محبت گذراست. محبت اصحاب و یاوران امام حسین علیه السلام به امامشان را ببینید؛ معرفت و محبت در اوج؛ یعنی اول معرفت و بعد محبت.

دقت کنیم که محبت به تنهایی و بدون معرفت ممکن است انسان را به اباحه‌گری بکشانند؛ مانند جایی که شاعری شعری می‌سراید که می‌توان انحراف را در آن مشاهده کرد؛ مثلاً می‌گوید: «آقا مرا به لاک سیاه همان زنی که پشت دسته‌های عزا می‌رود، ببخش!» و بدتر آن که این شعر را مداحان هم در مجالس می‌خوانند و بدتر این که در برنامه صدا و سیمای جمهوری اسلامی هم پخش می‌شود!

در دستگاه ابا عبدالله علیه السلام که طبق روایات، حتی به اندازهٔ بال مگسی اشک ریختن باعث بهشتی شدن انسان^۱ یا بخشش گناهان کبیره و صغیره می‌شود،^۲ منظور گریه‌ای است که از سر محبت و معرفت باشد. چنین گریه‌ای ارزش خواهد داشت و این آثار بر آن مترتب خواهد بود و اساساً محبتی که اشک را جاری می‌کند، از معرفت ناشی می‌شود.

یکی از جلوه‌های ویژه اجتماع بزرگ اربعین حسینی، حبّ الحسین است. محبت حسینی است که انسان‌ها را از دورترین نقاط جهان گرد هم جمع می‌کند. ایثار و فداکاری امام حسین علیه السلام برای پایداری دین بود و اساس دین نیز محبت، معرفت و حُسن است. در حقیقت ایام عزای

۱ امام صادق علیه السلام: «وَمَنْ ذَكَرَ الْحُسَيْنَ عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ غَيْبِهِ مِنَ الدَّمُوعِ مَقْدَارُ جَنَاحِ ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَلَمْ يَزَلْ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ»؛ هر کس که نزد او از امام حسین علیه السلام یاد می‌شود و او از چشمانش اشکی هر چند به اندازه بال مگسی خارج شود، ثواب چنین شخصی بر خداوند خواهد بود و خدا نیز غیر از بهشت چیزی را سزاوار او نمی‌داند. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸.

۲ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ تَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا»؛ ای پسر شیب! اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی، تا آب دیده بر روی تو جاری شود، حق تعالی جمیع گناهان صغیره و کبیره را ببامزد؛ خواه اندک باشد، خواه بسیار. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.



اباعبدالله علیه السلام ایام توسل و تمسک به حب و محبت است و هرچه این فضا دل‌بازتر شود، محبت نیز گسترده‌تر خواهد شد. اساس قیام امام حسین علیه السلام محبت بود؛ از همین روست که با جان و دل انسان‌های آزاده پیوند خورده و ماندگار شده است. انسان‌های آزاده نیز به سبب پیوند قلبی با امام علیه السلام باقی می‌مانند و جاودانه می‌شوند؛ چنان‌که یاران باوفای آن حضرت، جانشان را در طبق اخلاص نهادند تا مودّت و محبتشان را به حضرت ابراز کنند.^۱

اثر این نوع نگاه

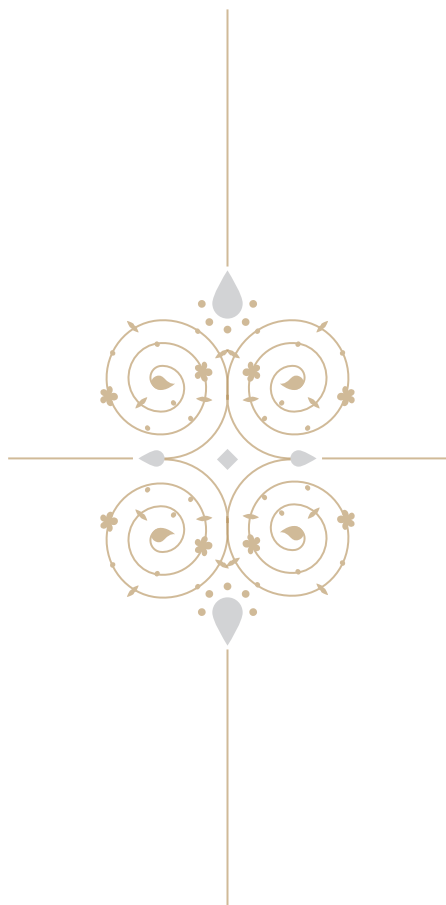
مهم‌ترین اثر این نوع نگاه در افراد، تغییر در بینش و کنش و واکنش‌های آنان است؛ اول نگاه فرد عوض شود و بعد رفتار او عوض خواهد شد؛ به این شرط که باور او هم تغییر کرده باشد. برای تغییر نگاه در افراد باید خدمات اجتماعی به او داد.

۱. فصلنامه ره‌توشه، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۱۳۲.



مبحث دوم

تمدن سازی



ضرورت تمدن سازی

دوران غیبت امام زمان (ارواحنا له الفدا) دوران ابتلائات سخت و سنگین است و این طور نیست که اگر کسی ادعای ایمان کند، کافی باشد. قرآن کریم می فرماید: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»^۱ آیا مردم گمان کرده اند همین که بگویند ایمان آوردیم، رها می شوند و آنان به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث آزمایش نمی شوند؟! انسان هایی که رشد یافته باشند، از این آزمون ها سر بلند بیرون خواهند آمد و در واقع این ابتلائات برای تربیت نیروهای مؤمن و خالص و آماده دوران ظهور خواهد بود.

از طرفی قاعده ای به نام «پیروزی» وجود دارد. قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۲ این گونه برداشت کنیم که اگر کسی خود را حق معرفی کرد، اما پیمان الهی را نقض کرد و احکام الهی را سبک شمرد، پیروز نخواهد شد. در دوران انتظار، گوشه نشینی، نقض عهد و خیانت است؛ بلکه باید بسیار تلاش کرد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما چنگ زند».^۳

۱ عنکبوت، ۲.

۲ محمد، ۷.

۳ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

در این جا چنگ زدن به فرمان ائمه علیهم السلام به چه معناست؟ به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین اقدامی که می‌توان در این عصر انجام داد، مقدمه‌سازی و هموار کردن شرایط برای ایجاد تمدن اسلامی است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت: تمدن‌سازی یعنی تحقق بخشیدن به اسلام اجتماعی، با توجه به داشته‌ها و امکانات ملت‌های اسلامی.

اقتصاد، از مهم‌ترین ابزارهای تمدن‌سازی

لازمه تمدن‌سازی ایجاد شرایط و لوازم تمدن‌سازی است. توجه به این ابعاد و نیازمندی‌ها در تمدن‌سازی بسیار مهم است: «اقتصاد، فرهنگ، سیاست، علم» اما سخن ما در این جا درباره اقتصاد است. حجت‌الاسلام غلامی، رئیس «مجمع عالی علوم انسانی - اسلامی» درباره بُنیه مالی و اقتصادی و محرومیت‌زدایی می‌گوید:

تمدن‌سازی چه با روش نرم، چه با روش سخت و چه توأمان، به سرمایه‌های هنگفت و فعلیت‌یافته نیاز دارد و اگر این سرمایه نباشد، سایر سرمایه‌ها، مانند نیروی انسانی توانا، منابع بی‌نظیر معدنی و غیره هرچند هم که بالقوه ثروت تلقی شوند، کمک‌چندانی به تمدن‌سازی نخواهند کرد. البته فراهم کردن این سرمایه با روش‌های لیبرالیستی، نقض غرض بوده و خودش مایه دور شدن از روح تمدنی نوین اسلامی است؛ لذا دشواری کار در این جاست که سرمایه مورد نیاز تمدن‌سازی از طریق روش‌های جدید مبتنی بر اقتصاد اسلامی فراهم شود. از طرف دیگر، نمی‌توان از تمدن نوین اسلامی سخن گفت، اما به محرومیت‌ها بی‌توجه بود. هرچند من معتقدم محرومیت‌زدایی، خودش جزئی از زنجیره تمدن‌سازی است، لکن مهم این است که بتوانیم محرومیت‌زدایی را مقدمه ورود به ساحت تمدن‌سازی تلقی کنیم. ما باید وجود محرومیت در جامعه اسلامی را یک ننگ بزرگ بدانیم. اگر محرومیت‌زدایی به معنای دقیق کلمه در همه ابعاد اعم از اقتصادی، فرهنگی، علمی و سیاسی به درستی اتفاق بیفتند، بخش مهمی از مردم که به دلیل



محرومیت توان مشارکت فعال در تمدن سازی را ندارند، وارد این چرخه می شوند؛ ضمن آن که محرومیت زدایی، اراده اجتماعی برای تمدن سازی را تقویت می کند.^۱

فرهنگ اقتصادی اربعین، نمونه ای از اقتصاد مهدوی

در همایش پیاده روی اربعین فرهنگ خاصی حاکم است که بیانگر اقتصادی خاص نیز هست و بهترین فرصت برای طرح نظریه اقتصاد جهانی و شکل دهی اولیه جبهه جهانی اقتصادی در مقابل مستکبران اقتصادی عالم است.

اربعین تمرین و مقدمه ای برای ایجاد و تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ جایی که روابط بسیار متفاوت با تمدن سرمایه داری حاکم بر جهان است. یکی از این شاخصه ها اقتصاد است که اقتصاد جاری در اربعین تفاوت ماهوی با اقتصاد سرمایه داری دارد. در کجای دنیا فرد دارایی خود را در طبق اخلاص برای دیگران قرار می دهد؟ نکته جالبی که در مورد پیاده روی اربعین و حال و هوای کربلا آشکارا به چشم می خورد، این است که مردم عراق کل سال کار می کنند و پول جمع می کنند تا در ایام اربعین بتوانند پذیرای زائرین باشند. عراقی ها به شدت به زائرین احترام گذاشته و به هر شکل ممکن به آنها خدمت می کنند.

در کجای دنیا سفره ای به این بزرگی پهن می شود که بالغ بر بیست میلیون نفر را بیش از ده روز و در سه وعده (و البته میان وعده های بی شمار) پذیرایی کنند؟! میلیون ها وعده که تماماً توسط مردم تهیه می شود و خالصانه در خدمت مردم قرار می گیرد. آقای احمد امیرآبادی، نماینده مردم قم در یادداشتی می نویسد:

فضای اجتماعی، نوع دوستی و کمک کردن به هم در مسیر راهپیمایی اربعین، انسان را به یاد مدینه فاضله می اندازد. انسان در مسیر راهپیمایی اربعین، یک مدینه فاضله را لمس می کند.



همه در این مسیر به دنبال خدمت کردن به زائران امام حسین علیه السلام هستند که این خدمت با خلوص است و ای کاش همه روزها و همه سرزمین‌های اسلامی، این حس و حال را داشت؛ چون در این راه‌پیمایی، اسلام واقعی با تمام خصوصیت‌های رفتاری به ظهور درمی‌آید. بسیاری از کارهای بزرگ با بودجه و اعتبارات فراوان ممکن است عملیاتی نشود، اما در پیاده‌روی اربعین، بزرگ‌ترین اقدام مسلمانان با کمترین بودجه اتفاق می‌افتد. هرکس با کمترین امکاناتی که در اختیار دارد، تلاش می‌کند تا به زوار امام حسین علیه السلام خدمت کند. این همان اقتصاد مقاومتی است که در راه‌پیمایی اربعین می‌توان آن را دید.^۱

هجرت از سودجویی محض، به ایثار و از خودگذشتگی

به حق می‌توان گفت که اربعین و هجرت از سودجویی محض و کسب منفعت شخصی، به سمت ایثار و از خودگذشتگی است. بیش از دویست سال است که روحیهٔ حداکثرسازی منفعت شخصی به ما ملت مسلمان تحمیل شده است. تهاجم وحشتناک به مبانی اسلامی و انسانی ما توسط نظام مادی‌گرای سرمایه‌داری صورت گرفته و بسیاری از ملل مسلمان و مردم مظلوم مسلمان را قلع و قمع کرده است. آیا وقت آن نرسیده تا در مقابل این تهاجم بایستیم؟

یکی از مهم‌ترین تهاجم‌های صورت گرفته، تهاجم و نفوذ علمی است. اگر کسی حرفی غیر از سخنان نظام لیبرال و سرمایه‌دار بزند، او را متهم به غیرعلمی بودن می‌کنند. شما را به کتاب «فریب بزرگ» پروفیسور مسعود درخشان ارجاع می‌دهم که در این باره به طور مفصل سخن گفته‌اند.

اما اکنون می‌خواهیم بگوییم که اربعین مظهر تحقق این ایدهٔ فرهیختهٔ اقتصادی است که مردم آن چه دارند، با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند.



طبیعی ست که باور این مسئله برای ما بسیار سخت باشد؛ چراکه ما سال‌هاست تحت شدیدترین حمله‌های مدرنیته قرار داریم.

رفتار عقلایی در اقتصاد سرمایه‌سالار

آیا می‌دانید در نظام اقتصادی سرمایه‌سالار به کدام رفتار اقتصادی، غیرعقلایی می‌گویند؟ اگر شما برای منفعت غیر اقدامی کردید، این حرکت غیرعقلانه است. بنابراین در چنین تفکری نمی‌توان سفر اربعین را درک کرد. اصلاً سطح چنین اشخاصی به این مسئله نمی‌رسد که مگر می‌شود کسانی برای رضای خدا یا در راه محبت و اطاعت از ولی خود، این‌گونه ایثار کنند؟!

تصور کنید اسکان و آب و غذای زوّار در این ایام چگونه است. صدها میلیون وعده غذایی چگونه آماده می‌شود؟ کجا استراحت می‌کنند؟ امکانات بهداشتی و دارو و درمان چگونه تأمین می‌شود؟ بله، با حساب و کتاب مادی اصلاً شدنی نیست؛ ولی داستان اربعین یک فراواقعیت است که درک آن نیاز به فهم حسینی دارد.

این است واقعیت اقتصاد اسلامی و اقتصاد اربعینی، که بنابر آن، عاقلانه‌ترین کار ممکن، این است که خود را تنها منحصر در چند روزه دنیا نبینی و با محوریت محبت امام و اطاعت از ولی بذل مال کنی. این با حساب و کتاب مادی‌گراها نمی‌خواند، ولی با واقعیت رزق لایحتسب و توکل به خدا منطبق است. به همین دلیل می‌گوییم: ای آقایان لیبرال و تربیت‌یافته مکتب سرمایه‌داری! رفتارهای اقتصادی شماست که غیرعاقلانه است. اگر می‌خواهید اقتصاد بفهمید، بیاید و اربعین را از نزدیک ببینید تا بفهمید!

بذل مال و جان، مقدمه ساخت تمدن نوین اسلامی

در زیارت اربعین، بالاترین بذلی که بیان شده است، بذل جان و خون قلب سیدالشهداست. در بخشی از زیارت می‌فرماید: «وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ»؛ حضرت، جان و خون خود را در



راه تو داد تا بندگان تو را از جهل نجات دهد و آن‌ها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند.

حضرت اباعبدالله علیه السلام هنگام خروج از مکه و حرکت به سوی کربلا فرمود: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوَظِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا»؛ هر کس می‌خواهد جان خود را در راه ما فدا کند و خود را برای ملاقات با خدا آماده کرده است، با ما کوچ کند.

امروزه شیعیان آمادگی خود را برای فداکردن جانشان اعلام می‌دارند و در همایش اربعین فوج فوج مردم را می‌بینیم که در این راه از مالشان هم می‌گذرند. این مسئله از آن جا نشأت گرفته است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف در توضیح عهد ولایت از مؤمنین، در دعای سرداب مقدس می‌فرماید:

«فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا حَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ»؛ مؤمن در مقام وفای به عهد ولایت باید به امامش بگوید: یا امام زمان! من جان، مال، فرزندان، و خانواده‌ام و تمام نعمت‌ها و سرمایه‌ها و امکاناتی که خدا به من عنایت کرده را در راه شما فدا می‌کنم.^۲

ما برای زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی باید این حرکت اقتصادی را روزه‌روز گسترده‌تر و مدوّن‌تر کرده و آن را عرضه کنیم. این‌گونه است که در دوران تمدن نوین اسلامی یا همان دوران ظهور حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف روابط و رفتارهای اقتصادی بسیار متفاوت خواهد بود.

گسترده‌گی و تنوع رفتارهای اربعینی

تمدن نوین اسلامی در لایه‌های رفتارهای کلی و جزئی مؤمنین در اربعین ساخته می‌شود، که اگرچه این رفتارها به ظاهر جزئی است، ولی گسترده و جدید و متنوع است؛ مخالف جریان مادی‌گراست و لله و للحسین است. گسترده‌گی و تنوع این رفتارها را می‌توان در این موارد مشاهده کرد:

۱. سید بن طاووس، اللهوف، ص ۶۱.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشريف.



۱. هرکه هرچه دارد، می‌آورد

حتما شما هم تجربه‌های عجیبی از سفر اربعین دارید. چگونه مردم عراق میزبانی را به حد اعلاى خود انجام می‌دهند! چه داستان‌هایی که در زبان عامه مردم از این سفر الهی نقل می‌شود! هر که هر چه دارد، می‌آورد. هر که هر توانی داشته باشد، خرج زوار حسین علیه السلام می‌کند. بارها دیده شده کسانی که فقط با ظرفی آب پذیرای زوار هستند، یا کسی که تنها با جعبه دستمال کاغذی که تنها بضاعتش است، پذیرایی می‌کند.

حتما شما هم خاطره نذر سایه آقای حامد عسکری، شاعر آئینی کشور را شنیده‌اید. چگونه فردی که هیچ چیز نداشت، حاضر بود خود را سایه بان زوار امام حسین علیه السلام کند! او فقط همین را داشت و در این مسیر هرکه هرچه دارد، می‌آورد و امام حسین علیه السلام خریدار خواهد بود. یکی دیگر از این روایت‌ها را در ادامه آورده‌ایم:

عصر روز آخری بود که در نجف بودیم. قرار بود صبح فردا پیاده روی به سمت کربلا آغاز شود. از بچه‌های فرهنگی دو قطعه عکس از حرم گرفته بودم و می‌خواستم با آن غلم درست کنم؛ اما هرچه گشتم، توی حسینیّه، برای غلم دسته‌ای پیدا نکردم. از حرم مولا علی علیه السلام هم که برمی‌گشتم، همه جا سرک کشیدم، اما نبود. یک باره چشمم به یک تکه چوب مناسب خورد که زیر چندی گاری پر از وسیله افتاده بود و پسر نوجوانی هم داشت آن جا جارویش را می‌شست. به او فهماندم که چوب زیر گاری را احتیاج دارم. پسر نگاهم کرد و بعد بی معطلی خم شد و چوب را از زیر گاری‌ها درآورد. چوب که درآمد تازه متوجه شدم چیزی که دیده بودم، چوب نبوده و دسته یک جارو بوده! خواستم بگویم نه و... اما او اصلا فرصت هیچ عکس‌العملی به من نداد و بی درنگ جارو را از سرش جدا کرد و دسته‌اش را به من داد! با همان دسته جارو، غلمی درست کردم که توی کل مسیر پیاده روی چشم‌ها به آن خیره بود!



۲. فقط جنبه مالی مطرح نیست

در اقتصاد سرمایه داری، بخشی از سرمایه را به خدمات اختصاص می دهند و هزینه های آن را در تولید ناخالص داخلی^۱ هر کشور به حساب می آورند. اما خدمات موکب های امام حسین علیه السلام در مسیر پیاده روی اربعین این گونه نیست. در این سفر، پول معنای خود را از دست می دهد. حتماً این گونه رفتارها را در سفر اربعین دیده اید؛ مانند این داستان:

وقتی به موکب رسیدیم، انگار دنیا را به ما داده بودند. خستگی و گرما امانمان را بریده بود. رفتیم داخل و افتادیم. کمی که نشستیم، یک باره حس کردیم که انگار همه چیز عجیب و غریب است؛ مثل این که داشتیم خواب می دیدیم. همه از تمیزی و زیبایی آن جا تعجب کرده بودند؛ حتی لیوان ها و بشقاب ها و... همه تمیز بود. صاحب موکب هم که مرد میانسالی بود، آرام و قرار نداشت و مثل پروانه دور بچه های می گشت.

کلی راه آمده بودیم و تشنه بودیم و در آن هوای گرم، آبمیوه ها بدجوری چشمک می زدند... چند لیوان آبمیوه را با سلیقه کنار هم توی یخچال چیده بودند. بچه های گروه باورشان نمی شد که آبمیوه ها مجانی باشد. گفتند: راه بیفتیم، این جا پولیه! بیایید جای دیگری برویم و لااقل جرعه آبی بخوریم. یکی با ناامیدی از صاحب موکب پرسید: فلوس؟ فلوس؟ کم قیمه؟ (قیمتش چند است؟). صاحب موکب خشکش زد. انگار برای او که با تمام عشقش داشت کار می کرد، شنیدن این حرف خیلی گران آمده بود. رنگ به رنگ شد. بعد بی معطلی از جیبش اسکناسی درآورد و به جای دستمال، گذاشت زیر یکی از لیوان های آبمیوه و درحالی که به سختی می خواست فارسی صحبت کند، با همان لهجه غلیظ عربی گفت: بفرما... یا حسین، صلوات بفرست.^۲

۱. یا به عبارت دیگر GDP. برای درک معنا به مقالات مرتبط مراجعه شود.

۲. همان.



۳. در خدمت همه

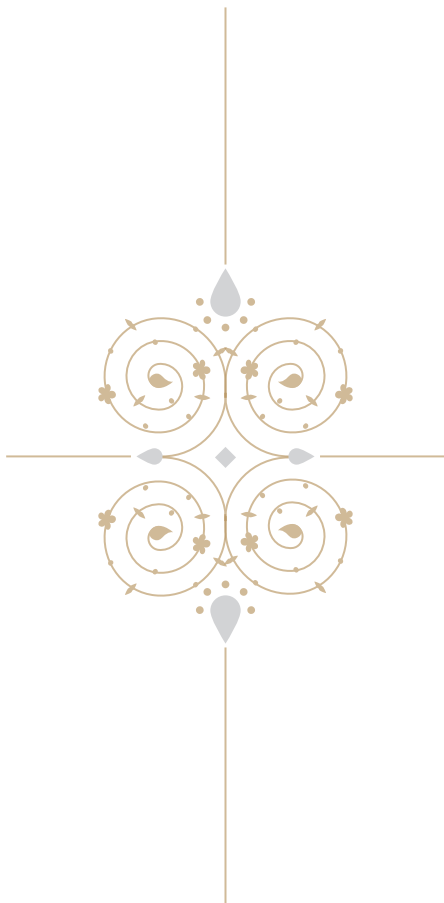
این جا دیگر فرقی نمی‌کند که فرد از چه دین و نژاد و مذهبی باشد. فرق نمی‌کند سیاه باشد یا سفید؛ اروپایی باشد یا آفریقایی؛ ثروتمند باشد یا فقیر. میزبان زائر ابا عبدالله الحسین علیه السلام به همه خدمت می‌کند. در بسیاری از رفتارهای مادی گرایانه ممکن است مشاهده شود که فرد چون دارای مقام و منصبی است یا چون ثروتمند است، پس احترام خاصی به او گذاشته می‌شود. اما در این سفر، فرد به خاطر این که زائر حسین علیه السلام است، مورد احترام است. اصلاً این فرهنگ، کاملاً با فرهنگ و رفتار مادی‌گرایانه سرمایه‌سالار متفاوت است؛ زیرا نگاه به افراد متفاوت است. این نگاه کجا و آن نگاه کجا؟! نگاهی که کرامت برای انسان قائل نیست و تنها شخصی مورد احترام است که چیزی از او نصیب فرد بشود و در راه کسب و افزایش منفعت شخصی باشد.

از مجموع این خرده‌رفتارها یک نظام کلی از رفتارهای منسجم و متحد مشاهده می‌شود که می‌تواند مقدمه ساز تمدن نوین اسلامی باشد. آری، امام حسین علیه السلام این جا هم به کمک بشریت می‌آید و به ما یاد می‌دهد که چگونه باید تمدنی نو و بر اساس اسلام بسازیم. عراقی‌ها راست می‌گویند که: «هرچه داریم، از امام حسین علیه السلام داریم!».



مبحث سوم

رزق لا یتسب



رزق لایحتسب چیست؟

در قرآن و برخی روایات، مفهومی با عنوان «رزق لایحتسب» آمده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ أَرْزَاقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ»^۲. مفهوم این رزق لایحتسب چیست و به چه کسانی تعلق می‌گیرد؟ چه فلسفه‌ای در پشت آن قرار دارد؟

یکی از شرایطی که برای دریافت این رزق آمده، این است که فرد باید تقوا داشته و مؤمن باشد. رزق لایحتسب از موهبت‌های الهی است که خداوند مخصوص مؤمنین قرار داده است؛ بدین معنا که اگر کسی مؤمن نبود و شرط تقوا را نداشت، از این نعمت الهی محروم خواهد بود.

با دقت بیشتر درمی‌یابیم که اصلاً این که غیرمؤمنین در زندگی دنیایی‌شان این قدر به دنبال حساب و کتاب دقیق هستند و جایگاهی برای خدا در روزی‌رسانی قائل نیستند و می‌خواهند هرچه هست را با تلاش به دست بیاورند، از همین جا نشأت می‌گیرد. البته این بدان معنا نیست که مؤمنین تلاش نکنند؛ چراکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ

۱. طلاق، ۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۸۴.

«إِلَّا مَا سَعَى»^۱ اما وعده الهی برای مؤمنین و متقین این است که اگر تقوای الهی داشته باشند، رزق لایحتسب به آنها می‌رسد و چه چیزی بهتر از این که خداوند رزقی به انسان عطا کند.

هدیه بهتر از کیمیا

احتمالا داستان معروف امام خمینی رحمه الله و آیت الله شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمه الله را شنیده باشید. آیت الله ری شهری این خاطره را به نقل از فرزند آیت الله شبیری زنجانی، از زبان پدر بزرگوارشان آورده اند که فرمود:

در سفری که امام خمینی رحمه الله و پدرم برای زیارت به مشهد مقدس رفته بودند، امام در صحن حرم امام رضا علیه السلام با سالک الی الله حاج حسنعلی نخودکی مواجه می‌شوند. امام امت که در آن زمان شاید در حدود سی یا چهل سال بیشتر نداشت، وقت را غنیمت می‌شمارد و به ایشان می‌گوید: با شما سخنی دارم. حاج حسنعلی نخودکی می‌گوید: من در حال انجام اعمال هستم؛ شما در بقعه حرم عاملی رحمه الله بمانید، من خودم پیش شما می‌آیم. بعد از مدتی حاج حسنعلی می‌آید و می‌گوید چه کار دارید؟ امام رحمه الله خطاب به ایشان، رو به گنبد و بارگاه امام رضا علیه السلام کرد و گفت: تو را به این امام رضا علیه السلام اگر (علم) کیمیا داری، به ما هم بده؟ حاج حسنعلی نخودکی انکار به داشتن علم (کیمیا) نکرد، بلکه به امام رحمه الله فرمودند: اگر ما کیمیا به شما بدهیم و شما تمام کوه و در و دشت را طلا کردید، آیا قول می‌دهید که به‌جا استفاده کنید و آن را حفظ کنید و در هر جایی به‌کار نبرید؟ امام خمینی رحمه الله که از همان ایام جوانی صداقت از وجودشان می‌بارید، سر به زیر انداختند و پس از اندکی تفکر به ایشان گفتند: نه، نمی‌توانم چنین قولی به شما بدهم. حاج حسنعلی نخودکی که این را از امام شنید، رو به ایشان کرد و فرمود: حالا که نمی‌توانید «کیمیا» را حفظ کنید، من بهتر از کیمیا را به شما یاد می‌دهم و آن



این است که: بعد از نمازهای واجب یک بار آیه الکرسی را تا «هو العلی العظیم» بخوانی، بعد تسبیحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگویی، بعد سه بار سوره توحید «قل هو الله احد» را بخوانی، بعد سه بار صلوات بگویی، بعد سه بار آیه مبارکه: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱ را بخوانی، که این از کیمیا برایت بهتر است.^۲

تقوا و توکل، شرط رزق لایحتسب

گفتیم که طبق بیان آیه شریفه، شرط رزق لایحتسب تقواست؛ البته تقوایی که ملازم با توکل باشد؛ به این معنا که اراده و میل خدا را بر خود مقدم کند. اگر کسی ایمان به خدا نداشت و تقوای الهی را رعایت نکرد و توکل نداشت، آن گاه باید به دنبال حساب و کتاب دقیق دنیوی برود و (به اصطلاح) مو را از ماست بکشد تا بتواند بهره و سود دنیایی خود را ببرد. طبیعی است که چنین فردی تمام هدفش کسب منفعت شخصی است و این اساس اقتصاد سرمایه داری حاکم بر دیناست.

البته این بدان معنا نیست که متقی نیاز به حساب و کتاب ندارد؛ بلکه انسان مؤمن با تقوای خود، یک جایگاه ویژه برای تکیه به خداوند باز می کند و با وجود این که تلاش می کند و حساب و کتاب هم دارد، اما حساب و کتاب اصلی خود را با خدا می کند. در زندگی اکثر مؤمنین این مسئله جاری است که در بسیاری مواقع به شکل معجزه آسا و از جایی که حتی فکرش را هم نمی کرده اند، خدا روزی را به آن ها رسانده و مشکلشان حل شده است. خیلی ها این جمله را با تمام وجود لمس کرده اند که دوام زندگی شان به باریکی مو رسیده، ولی پاره نشده و اصطلاحاً خدا هوای او را داشته و در آخرین لحظات مشکلشان حل شده است. پیشنهاد می کنم هر کس

۱. طلاق، ۲ و ۳. هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می دهد، و هر کس بر خداوند توکل کند، کفایت امرش را می کند. خداوند فرمان خود را به انجام می رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است.

۲. محمدی ری شهری، زمزم عرفان، ج ۱، بخش ۱، ص ۳۶۵.



را دیدید، از او بپرسید که چطور خداوند از جایی که گمان نکرده، برای او رسانده است. از این حقیقت، گاهی با عنوان «برکت» نیز یاد می‌شود و این‌که در کسب و کار و معاشرت‌های بین مسلمین، جمله «خدا برکت دهد» زیاد گفته می‌شود نیز از همین جهت است.

در زندگی مادی نباید خرجی کنی که بازگشتی ندارد و همه چیز باید روی منطق و محاسبه مادی انجام شود، ولی در زندگی معنوی، انسان در بسیاری موارد هزینه‌هایی می‌کند که ظاهراً و به حساب دنیایی بازگشتی ندارد، ولی خدا چندین برابر به او پس می‌دهد؛ مانند صدقه دادن و قرض الحسنه که به تعبیر قرآن، آجری چندبرابری خواهد داشت.^۱

معنای تقوا

برای این‌که این شرط را حاصل کنیم، ابتدا باید بدانیم که تقوا چیست. حتماً در بسیاری از توصیه‌های بزرگان رعایت تقوا را شنیده‌ایم و در هنگام تلاوت قرآن هم به این آیه رسیده‌ایم که باید تقوا و پرهیزگاری داشته باشیم؛ اما شاید معنای سریع و سهل و آسانی از آن در ابتدا به ذهن ما نیاید و وقتی به ترجمه‌های قرآن نگاه می‌کنیم هم چیز زیادی به دست نمی‌آوریم.

مقام معظم رهبری علیه السلام برای تقوا تعریف بسیار دلنشینی دارند:

پروا کردن، ملاحظه کردن، معنای تقواست. «اتَّقُوا اللَّهَ»، یعنی ملاحظه خدا را بکنید؛ پروا داشته باشید از خدای متعال. یک خط مستقیمی به شما نشان داده است در این حرکت عظیم حیات بشری که محفوف به مشکلات است. فرض کنید مثل زمینی که این گوشه و آن گوشه‌اش مین وجود دارد که یک راهی را باز می‌کنند، می‌گویند این راه، راه سلامت است، راه امنیت است؛ از این‌جا بروید؛ صراط مستقیم این است. ملاحظه خدا - اتَّقُوا اللَّهَ - یعنی حواستان باشد از این راه منحرف نشوید؛ کج و راست نشوید که گرفتار خواهید شد؛ مشکل برایتان درست می‌شود. اگر از این

۱. «وَمَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ فَرَضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». بقره، ۲۴۵.



راه رفتید، آن وقت نتایج خوبی به دست شما خواهد رسید که آن نتایج را هم خدا در قرآن مکرر در آیات متعدّد قرآنی بیان کرده: «اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱.

تقوای اجتماعی

اما این‌ها همه، تقوای فردی بود. وقتی زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد، باید به ابعاد تقوا در اجتماع نیز توجه کرد و از حیث اجتماعی همه باید مراعات و ملاحظه کنند. اهمیت این مسئله وقتی بیشتر می‌شود که توجه کنیم ما مسلمانان به خصوص در کشور ایران در شرایط خاصی زندگی می‌کنیم. برای درک بهتر این مسئله، به بیان دیده‌بان انقلاب توجه کنیم:

یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه خودشان، موجب می‌شود که حتی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم. یکی از جاهایی که ضعف نشان داده‌ایم، همین بوده.^۲

و در جای دیگر می‌فرمایند:

تقوای یک جامعه چیست؟ یک جامعه، به خصوص اگر مثل جامعه نظام جمهوری اسلامی آرمان‌های والا و بلندی داشته باشد، مورد تهاجم است؛ مورد هجوم تیرهای زهرآگین است؛ این هم تقوا لازم دارد. تقوای جامعه چیست؟ در بخش‌های مختلف، تقوای اجتماعی را می‌توان تعریف کرد.^۳

۱ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴.

۲ بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸.

۳ بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۰۲.



اقتصاد مقاومتی معنای تقوای در اقتصاد

در تقوای جمعی باید به ابعاد مختلف آن توجه کرد. یکی از اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین ابعاد تقوای جمعی، در بخش اقتصاد است. تعبیر مقام معظم رهبری در این زمینه حیرت‌انگیز است. ایشان صریحاً تقوای در اقتصاد را اقتصاد مقاومتی معرفی می‌فرمایند:

در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی. اگر در مورد اقتصاد می‌خواهیم در مقابل تکان‌های ناشی از حوادث جهانی یا در مقابل تیرهای زهرآگین سیاست‌های معارض جهانی آسیب نبینیم، ناچاریم به اقتصاد مقاومتی رو کنیم. اقتصاد مقاومتی عامل استحکام است. در مقابل آن، کسانی و آن قدرت‌هایی که از همه ظرفیت اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و امنیتی خودشان دارند استفاده می‌کنند برای این‌که به این ملت و این کشور و این نظام ضربه وارد کنند. یکی از راه‌هایی که فعلاً پیدا کردند، عبارت است از رخنه از راه اقتصاد. این هشدار را ما سال‌هاست مطرح کردیم و گفتیم. مسئولین هم هر کدام به فراخور توانایی‌های خودشان تلاش‌های خوبی کردند؛ لکن ما باید با همه توان، با همه ظرفیت موضوع اقتصاد مقاومتی را در داخل دنبال کنیم. این می‌شود تقوای اجتماعی ما در زمینه مسئله اقتصادی.^۱

سؤال مهم این است که از زمان اعلام اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری چقدر به این توصیه عمل شده است؟ سیاست‌های ابلاغ شده اقتصاد مقاومتی چقدر از سوی مسئولین به کار گرفته شده است؟ چرا حرف ولی‌فقیه جامعه و نایب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بر زمین مانده است؟ چرا مطالبه توسط مردم صورت نگرفته است؟ چرا نهادهای علمی مانده حوزه و دانشگاه در تهیه مدل‌های اقتصادی بر اساس اقتصاد مقاومتی کوتاهی کرده‌اند؟!



چرا بخش زیادی از عموم مردم و قشر وسیعی از نخبگان کشور به جای مطالبه و حتی کمک به تحقق این الگوی اقتصادی، دائماً به نق زدن روی می‌آورند؟ گفته می‌شود این اقتصاد مقاومتی چیست که تاکنون تحقق نیافته است؟! درحالی‌که خود مردم و نخبگان و مسئولین باید آن را محقق کنند.

اقتصاد مقاومتی و اربعین

اما اکنون می‌خواهیم به یکی از موارد تحقق یافته الگوی اقتصاد مقاومتی اشاره کنیم و آن اقتصاد اربعین است. نمی‌توان گفت تمام مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در اربعین تحقق یافته، ولی یکی از نزدیک‌ترین الگوهای عملی شده به اقتصاد مقاومتی در اربعین محقق شده است؛ از این‌رو به بررسی ابعاد مختلف اقتصاد اربعین می‌پردازیم.

پیاده‌روی اربعین، حرکتی جمعی و سمت سوی آن تقوای الهی است. در واقع یک آرمان وجود دارد و حرکت عمومی بر اساس آن آرمان انجام می‌شود. به برکت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام این حرکت انجام می‌شود و مردم بر اساس محبتی که ناشی از معرفت است، کارهایی می‌کنند که از مجموعه آنها می‌توان برداشت عملی شدن یک الگوی اقتصادی را داشت.

اقتصاد دوران ظهور چگونه است؟

اقتصاد زمان ظهور حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین تصویر شده است:

برید عجل‌ی گوید: در محضر حضرت باقر علیه السلام بودیم. به حضرت عرض شد: یاران ما در کوفه بسیارند؛ اگر فرمان دهی، از تو اطاعت خواهند کرد. فرمود: «چنان هستند که کسی بدون اجازه آنها از مالشان نیاز خود را برطرف کند؟» گفتند: خیر! فرمود: «آنان که از بذل مال دریغ کنند، در نثار جان بخیل‌ترند».



سپس فرمود: «در زمان قیام قائم، دوران رفاقت فرامی‌رسد. مرد به سراغ مال برادر خود رفته، حاجت خود را برآورده می‌کند و او مانعش نمی‌شود».

اساساً این‌که افراد نسبت به سایرین احساس مسئولیت کنند، یکی از واقعیت‌های دین ماست و اگر این نباشد، آماده‌ی ظهور حضرت نخواهیم بود. خدا رحمت کند مرحوم آقا سیدمهدی قوام را! این مرد دلسوز، متدین، مؤمن و دارای رحم. رهبر بزرگوارمان می‌فرمودند: من جوان که بودم، پای منبرهایش می‌رفتم. ایشان همین خصلت را داشت. اگر می‌دید کسی گرفتار است، نمی‌توانست آرام بنشیند.

آقا سید مهدی قوام و صلۀ محرم

ایشان یک دهۀ محرم در شهر یزد منبر رفته بود و شصت تومان به عنوان صلۀ و هدیه به او داده بودند. وقتی به تهران برگشت، با یکی از رفقاییش همراه بود. گفت: اجازه می‌دهی با همدیگر یک جایی در پایین شهر تهران برویم؟ گفت: من در خدمت شما هستم. رفتند و سر یک کوچه ایستاد. آسیدمهدی قوام گفت: این پاکت را بگیر و ببر در فلان خانه و بگو این امانتی مال شماست. رفیقش گفت: حاج آقا چرا خودت نمی‌روی؟ گفت: نه، من را می‌شناسند؛ شاید خجالت بکشد. این بنده خدا رفت و گفت: حاج آقا وقتی این پاکت را دادم، داشتند بال درمی‌آوردند. معلوم می‌شود که خیلی نیازمند بودند. آسیدمهدی قوام گفت: الحمدلله. با هم کوچه را طی کردند و برگشتند. یک مقدار که رفتند، آسیدمهدی گفت: فلانی! پنج ریال داری به من قرض بدهی؛ فردا به تو می‌دهم؛ می‌خواهم برای خانه چیزی بخرم و ببرم! مؤمن این است. گرفتاری در مؤمن دیگری می‌بیند، بی‌خیال نیست. این محک ایمان است.^۱

اگر روابط اقتصادی مردم این‌گونه باشد، آن زمان است که می‌توانیم بگوییم زمان ظهور نزدیک است. در اربعین این‌گونه موارد به وفور یافت می‌شود و برخی از این رفتارها با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی هم‌خوانی دارد.

۱. برگرفته از سخنرانی حجت‌الاسلام عالی در محرم ۱۴۴۲، حسینیه امام خمینی (ره).



برخی از ابعاد اقدامات در اربعین، تلاش برای این موارد است: رفع نیازهای اقتصادی زائرین و محبتین اهل بیت علیهم السلام، طلب روزی آینده (سال و زندگی)، طلب بهره‌های اخروی و غیرمادی که میزبانان در اربعین تمام تلاش خود را برای حل مسائل و مشکلات و نیازمندی‌های زائرین صرف می‌کنند. اکنون سؤال این است که آیا اگر این رفتار در تمام طول سال جریان یابد، ما به دوران ظهور نزدیک نخواهیم بود؟

مردم محوری در اربعین

مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، مانند عدالت محوری، مردم محوری و رویکرد جهادی را می‌توان در رفتارهای مردم در مراسم اربعین مشاهده نمود. اربعین یک حرکت کاملاً مردمی است که تمام جوانب آن بر عهده مردم است. مردم از مال و جان و آبروی خود هزینه می‌کنند؛ چه کسانی که به عنوان زائر شرکت می‌کنند و چه مجاوران و میزبانان زائرین، همه به صورت کاملاً مردمی در این حرکت عظیم شرکت دارند. دولت‌ها نباید ورودی به این حرکت مردمی داشته باشند؛ البته این حرکت دولت‌ها را نیز مجبور به همراهی و همکاری می‌کند و وظیفه‌شان را که تسهیل امور زائرین است، انجام می‌دهند.

چه در ایران و چه در عراق، دولت‌ها و نیروهای نظامی و امنیتی و اداری، برای سهولت برگزاری این گردهمایی عظیم تلاش می‌کنند؛ ولی این بدان معنا نیست که این حرکت مردمی نخواهد بود؛ بلکه دولت‌ها در خدمت مردم قرار می‌گیرند.

رویکرد جهادی در اربعین

مردم با رویکردی کاملاً جهادی در این حرکت، اقدام به فعالیت‌های خالصانه می‌کنند و با تمام وجود برای حل مشکلات زوار قدم برمی‌دارند. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند:

ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. در همه بخش‌ها، کمر بسته بودن مثل یک



جهادگر لازم است. این اگر بود، کارها راه می‌افتد؛ این اگر بود، بن بست‌ها باز می‌شود، شکافته می‌شود.^۱

بنابراین برای بن بست‌شکنی در مسائل اربعین، مردم به صورت جهادی وارد میدان می‌شوند.

بذل مال، مقدمهٔ بذل جان

این‌جا معنای بذل مال کاملاً روشن می‌شود که افراد از صمیم دل برای محبت امام که ناشی از معرفت است، آن‌چه دارند، تقدیم این راه می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ مؤمنی نیست، مگر آن‌که بخشنده است».^۲ در حدیثی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ای علی! کسی که مردم از دین و دنیای او منتفع نشوند، خیری در هم‌نشینی با او نیست».^۳ امام حسین علیه السلام خون و جانش را برای دین هزینه کرد. ایشان روزی که از مدینه حرکت کردند، باذل می‌خواستند؛ یعنی کسی که از جانش بگذرد. بذل گاهی با جان است، گاهی با مال است و گاهی بذل آبروست. در سفر زیارتی اربعین این امر بسیار دیده می‌شود. آیا می‌شود این حرکت به تمام سال سرایت کند و مردم همیشه این‌گونه زندگی کنند؟

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۴۰۲/۲/۱۳۹۶.

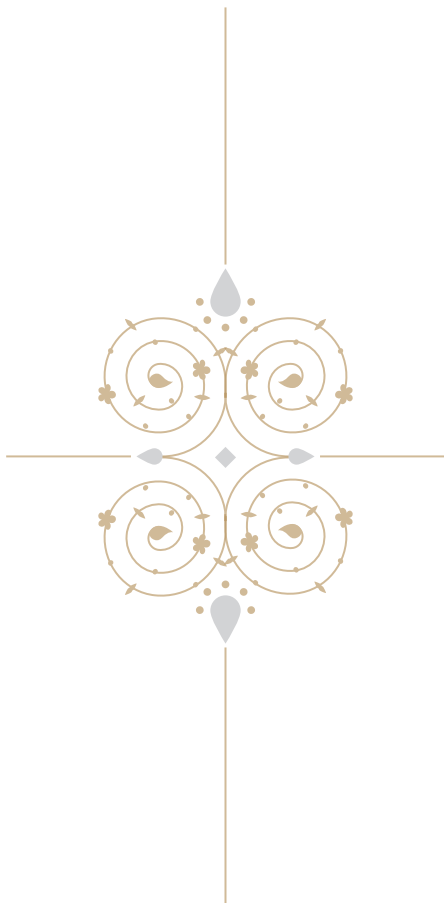
۲. منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعه، ص ۸۲.

۳. گنجینه معارف، سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه.



مبحث چهارم

آخرت طلبی



آخرت طلبی چیست؟

در جای جای قرآن کریم می‌توان مذمت دنیا طلبی و توصیه به آخرت طلبی را مشاهده کرد. می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»؛ این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست، و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند!

بعد از گذشت هزاران سال از زندگی بشر، این حقیقت دیگر به تجربه برای انسان‌ها ثابت شده که این دنیا واقعاً پست و بی‌ارزش است و اگر به هدف خلقت هم توجه بشود، این انسان با همه ظرافت‌هایی که خلق شده، واقعاً برای زندگی دو روزه دنیا نخواهد بود. در روایتی از رسول مکرم اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منشأ همه خطاها و گمراهی‌ها، نیرنگ دنیا و دلباختگی به آن بیان شده است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ».^۲ چه بسیار مصائب و محنت‌هایی که در طول تاریخ به سبب دلبستگی‌های دنیایی بشر پدید آمده و این محبت دنیا او را به نابودی کشانده و از هیچ جنایتی فروگذار نبوده است.

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود انسان رفتارهای عاقلانه‌ای از خود بروز دهد، آخرت طلبی است. روزی شخصی با حالی پریشان خدمت

۱. عنکبوت، ۶۴.

۲. نهج الفصاحه، ص ۲۸۳.

امام صادق علیه السلام رسید و از سختی زندگی خود شکایت کرد. حضرت زندان کوفه را به یادوی آورد و فرمود: زندان کوفه چگونه است؟ آن مرد گفت: جایی تنگ و بدبوست که افراد در آن جا در بدترین شرایط به سر می‌برند. حضرت فرمود: «تو نیز در زندان دنیا به سر می‌بری، اما با وجود این می‌خواهی در آسایش و خوشی باشی! مگر نمی‌دانی دنیا زندان مؤمن است؟!». ^۱ این‌گونه است که با نشان دادن واقعیت زندگی دنیا سختی‌هایی که بر انسان عارض می‌شود، برطرف می‌گردد.

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند!... پاداش بزرگی به او خواهیم داد. ^۲

معیارهای آخرت‌طلبی

از تمام معیارهای آخرت‌طلبی به دو نکته مهم می‌پردازیم:

یکی این‌که فرد باید نیت خود را خالص گرداند. چه بسیار انسان‌هایی که با ریاکاری و نفاق، نیت خود را پنهان می‌کنند، ولی خداوند از سرّ و نهان افراد آگاه است و تمام کارهای آنها «هباءً منثوراً» خواهد بود. فرمود: «أَخْلِصَ الْعَمَلُ؛ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ بَصِيرٌ»؛ عمل را باید خالص انجام داد، نقاد آگاه، آگاهی هست. ^۳ نیت باید برای خدا باشد، نه دنیا؛ برای رضای خدا و امتثال امر الهی و به قصد قربت و رجاء باشد. نیت، حد فاصل آخرت‌طلبی و دنیا‌طلبی است. اصلاً اعتقاد به معاد در اصول دین هم ناشی از همین نیت انسان‌هاست. اگر انسانی معتقد به قیامت باشد، عملش در دنیا بسیار متفاوت با کسی است که به آن معتقد نیست.

دوم فعل فرد که باید بر اساس احکام شرعی باشد و موازین و معیارهای دینی در آن رعایت شود. در برابر شیطان باشد؛ وگرنه باعث ناخالصی

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۰.

۲. نساء، ۷۴.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۳۲.



می‌شود. در بیان مقام معظم رهبری یکی از مؤلفه‌های کار جهادی همین است که در مقابل دشمن باشد، و چه دشمنی بالاتر از شیطان؟

آیا رفتارها و افعال ما مطابق با موازین دینی است؟ آیا رفتارهای اقتصادی در معاملات و غیرمعاملات، با معیارهای دینی سازگار است؟ همان دینی که روش زندگی سعادتمندانۀ دنیا و آخرت ما خواهد بود؟ یا این که روایت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در مسیر کربلا شامل حال ما می‌شود که فرمودند:

«إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينِ لَعَنَ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يُحْطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ»؛ به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آن‌هاست و مادام که برای معیشت آن‌ها باشد، پیرامون آن‌اند و وقتی به بلا (ورنج و سختی) آزموده شوند، دینداران اندک‌اند.^۱

ما دین را برای معیشت و اقتصاد خود می‌خواهیم، یا این که اقتصاد و معیشت خود را برای دین و با موازین دینی سازگار خواهیم کرد؟ اگر اولی باشد که زندگی را باخته‌ایم!

حد درآمد و حد مصرف

در این جا این سؤال پیش می‌آید که اگر باید آخرت طلب باشیم، ما که نمی‌توانیم بدون کسب درآمد، معیشت و زندگی خود را اداره کنیم. ما تا چه حد مجاز به کسب درآمد و مصرف هستیم؟ آیا در دین ما حدی برای این دو قرار داده‌اند؟

حد درآمد

در اسلام حدی برای درآمد نداریم و انسان مجاز است که هرچه می‌تواند، درآمد کسب کند؛ البته مادامی که مرتکب ظلم یا حرامی نشود، که این شرط باید در همه رفتارهای دینی ما وجود داشته باشد و در کسب درآمد هم جاری است. اسلام منعی برای کسب درآمد حداکثری ندارد؛ البته

۱. متقی هندی، تحف العقول، ص ۲۴۵.



توصیه‌هایی در نکوهش دنیا شده است که ممکن است فرد به واسطهٔ تجمیع زیاد مال دنیا دچار حرص و طمع شود.

رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «اگر فرزند آدم به ظرفیت دو رودخانه بزرگ، طلا در اختیار داشته باشد، باز هم آرام و قرار نمی‌گیرد و در طلب ثروت‌های دیگری است».^۱ با وجود این خصیصه رفتاری انسان، باز هم اسلام منعی برای حد درآمد قرار نداده است. انسان می‌تواند بر این خصیصه‌های رفتاری بد غلبه کند و ثروت فراوان کسب کند و در راه خدا نیز مصرف کند؛ همان‌گونه که حضرت خدیجه علیها السلام ثروت خود را در راه دین اسلام خرج کرد. یا درآمدهای باغ فدک که انبوهی از سکه‌های طلا بود، در راه خیر مصرف می‌گشت.

حد مصرف

اما حد مصرف چقدر است؟ آیا در اسلام خاصی برای مصرف مشخص شده است؟

اولاً که مصرف‌گرایی در اسلام ممنوع است. اسلام حد کفاف را به عنوان حد مصرف برای مسلمین معرفی می‌کند. در تبیین حد کفاف، نیاز به کار علمی است که ابعاد این مسئله در مقاله‌ای با عنوان «رابطهٔ کفاف و توسعه در مصرف بر اساس روایات اسلامی» نوشته استاد احمد علی یوسفی به طور مفصل بحث شده است. اما در یک جمله می‌توان گفت: «کسی که درآمدی داشته باشد که نیازهای اساسی و متعارف او را در حد شأنش برطرف نماید، درآمد در حد کفاف دارد». این تعریف ابعاد زیادی می‌تواند داشته باشد که به مقاله نام‌برده ارجاع می‌دهیم؛ ولی همین حد را می‌توان به عنوان قدر متیقن از حد کفاف معرفی کرد.

نقل شده است که رسول خدا ﷺ بر شترچرانی گذر کرد و کسی را فرستاد تا از او شیر بخواهد. شتربان گفت: آن‌چه در پستان شتران است، صبحانهٔ قبیله است و آن‌چه در ظرف‌هاست شام ایشان است. رسول خدا ﷺ

۱. فرید، الحدیث (روایات تربیتی)، ج ۳، ص ۱۵۱.



فرمود: «خدایا مال و فرزندانم را زیاد کن». سپس بر گوسفند چرانی گذر کرد و کسی را فرستاد تا از او شیر بگیرد. چوپان گوسفندها را دوشید و هرچه در ظرف داشت، در ظرف پیغمبر صلی الله علیه و آله ریخت و گوسفندی هم برای حضرت فرستاد و عرض کرد: همین اندازه نزد ما بود؛ اگر بیشتر هم بخواهید، به شما می‌دهم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدایا او را به قدر کفاف روزی ده».

یکی از اصحاب عرض کرد: یا رسول الله! برای شترچران دعایی فرمودی که همه ما آن را دوست داریم و برای کسی که حاجت را روا کرد، دعایی فرمودی که همه ما ناخوش داریم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن چه کم باشد و کفایت کند، بهتر است از زیادی که دل را مشغول دارد».^۱

مصرف‌گرایی، از مهم‌ترین معضلات عصر مدرن

از مهم‌ترین آورده‌های عصر مدرنیته، معضل مصرف‌گرایی و تأثیر آن بر تمام ارکان زندگی بشر است. مصرف‌گرایی عامل تولید انبوه کالات که افراد در مواجهه با آن و با سبک زندگی برآمده از آن، دچار انفعال شدید شده و ناخودآگاه آن را پذیرفته‌اند. تا قبل از پیدایش این‌گونه مصرف‌گرایی، عقل‌گرایی وجود داشت و افراد در زندگی سنتی برای درک و فهم و عقل و سنت‌ها اهتمام بسیاری قائل بودند؛ ولی در عصر مدرنیته مصرف‌گرایی حرف اول و آخر را می‌زند.

وقتی با پیشرفت تکنولوژی، تولید انبوه کالا توسط سرمایه‌داران و کارخانه‌داران صورت گرفت، بازار عرضه و تقاضای خاص آن نیز باید به وجود می‌آمد. این‌جا بود که صنعت تبلیغات با هدف معرفی کالا شکل گرفت که به وسیله دانش روان‌شناسی به نیازسازی کاذب می‌پرداخت. سودآوران برای ترغیب مردم به خرید و مصرف محصولات خود، اقدام به مدسازی و تنوع‌گرایی می‌کنند. حاصل این رفتارها مصرف‌گرایی افراطی در دنیای امروز است. مثالی می‌زنم که در این روزها در تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می‌شود:

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۷۸.



تبلیغات یک شرکت ارائه لوازم خانگی که شدیداً مصرف‌گرایی را ترویج می‌دهد. زن در خانه چیدمان وسایل خانه و آشپزخانه را به صورت نسبتاً معقولی بیان می‌کند و می‌گوید: برای نیازمندی‌هایمان مثلاً ۱۰۰ میلیون می‌خواهیم. مرد ناگهان می‌گوید: چرا ۱۰۰ میلیون؟ ما تا نیم‌میلیارد می‌توانیم از فلان‌جا (همان فروشگاه لوازم خانگی) خرید کنیم و به صورت اقساط بپردازیم. زن با تعجب و کمی خوشحالی می‌گوید: چه کار کنیم؟! می‌تونیم یخچال‌مون رو عوض کنیم و...؟!!

دقت کنید که چگونه با روش‌های مختلف، مصرف‌گرایی را در زندگی ما ترویج می‌کنند! عجب خیانت بزرگی توسط این‌گونه شرکت‌ها در زندگی ما وارد می‌شود! ببینید چگونه تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی برای پر شدن جیب سرمایه‌داران بر ما تحمیل می‌شود! البته از صدا و سیمای جمهوری اسلامی توقع می‌رود که هوشمندانه با این کار مقابله کند، ولی این روند نه تنها در صدا و سیما، بلکه در میان بلاگرها و سلبریتی‌ها در فضای مجازی هم در جریان است.

این‌گونه ما را از آخرت‌گرایی دور می‌کنند و دنیاطلبی را در عمق وجود ما نهادینه کرده‌اند. اما در این بین ناگهان سفری معنوی شروع می‌شود به نام اربعین! من این‌گونه تعبیر می‌کنم که وقتی می‌فرمایند امام حسین علیه السلام کشتی نجات است، در همین‌جا هم به نجات ما می‌آید که غرق در زندگی مصرف‌گرا و تجملاتی شده‌ایم. وقتی ما را به سفر زیارتی خود فرا می‌خواند، در وجود ما هم یک تحول عظیم ایجاد می‌کند و این‌جاست که تمام معادلات این زندگی مصرف‌گرای تجمل‌گرا به هم می‌خورد. بیهوده نیست که دشمنان ما این‌قدر از امام حسین علیه السلام و سفر اربعین واهمه دارند. تنها با یک زیارت، برنامه‌های آنها به هم می‌خورد.

البته دشمن برای همین زیارت اربعین هم برنامه‌ریزی می‌کند و سعی در به انحراف کشاندن آن دارد و بر ما تکلیف است که به بهترین شکل از دستاوردهای این سفر معنوی و حتی از خود این گردهمایی عظیم پاسداری و حفاظت کنیم.



کشتی نجات چه فرقی با چراغ هدایت دارد؟

گفته شد: بنابر روایت معروف پیامبر ﷺ که فرمودند: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ»، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در زندگی ما به عنوان کشتی نجات و چراغ هدایت است. چراغ هدایت بودن چه تفاوتی با کشتی نجات دارد؟

انسان وقتی در ظلمت و تاریکی قرار بگیرد، به دنبال نوری می‌گردد تا مسیر خود را با آن روشن کند. اگر در زندگی دنیایی دچار حیرت و ضلالت شدیم، به دنبال چراغ راهی می‌گردیم که بگیریم و به دنبال آن هدایت شویم. طبیعی است که این باید از شئون امام باشد.

اما در مورد امام حسین؟ ع؟ عنوان کشتی نجات آمده است. فرق کشتی نجات با چراغ هدایت در این است که ما باید دنبال چراغ برویم و از آن کمک بگیریم؛ اما وقتی کسی در حال غرق شدن باشد، این کشتی نجات است که به سراغ او می‌آید و او را نجات می‌دهد. وقتی ما در منجلاب گناه و فساد قرار داریم، این حسین بن علی علیه السلام است که برای نجات ما می‌آید.

اربعین، کشتی نجاتی در منجلاب مصرف‌گرایی

یکی از مصادیق این نجات را می‌توانیم در سفر زیارتی اربعین مشاهده کنیم. انسان در تهاجم مدرنیته و موج مصرف‌گرایی و دنیای پر از تبلیغات و تجمل‌گرایی، با یک زندگی مادی و بی‌هدف مواجه می‌شود و روزبه‌روز به ورطه نابودی نزدیک‌تر می‌گردد. این جاست که حسین بن علی علیه السلام ما را فرامی‌خواند و در دستگاه خود، تحولی را در درونمان ایجاد می‌کند. نگاهی کنیم به این سفر زیارتی که چه رفتارهای اقتصادی از میزبانان و زوار و محبتین امام حسین علیه السلام سرمی‌زند! اصول اقتصاد سرمایه‌سالار که به عنوان اصل مسلم شناخته می‌شود، دیگر در این گردهمایی جهانی جایگاهی ندارد؛ مانند حداکثر کردن منفعت شخصی و رقابت آزاد، که بدون هیچ قید و بندی مردم را به جان یکدیگر انداخته است و همدیگر را زیر پاله می‌کنند تا خودشان ترقی کنند. اما در این همایش بزرگ، رفتارهای محبتین



امام حسین علیه السلام را ببینید! چگونه خود را متواضعانه در مسیر رضایت الهی، با محوریت حسین بن علی علیه السلام و برای رضای خدا و کسب درجات معنوی قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند!

در این جا محور حسین بن علی؟ ع؟ است. در هر جای سفر اربعین، محبت حسین بن علی علیه السلام موج می‌زند. فقط کافی است رفتارهای مردم را نظاره کنیم. هر کس هر طور که می‌تواند برای ابا عبدالله علیه السلام کاری انجام می‌دهد. آن کس که پول دارد، می‌دهد؛ کسی که می‌تواند خدمت کند، دریغ نمی‌کند. بسیاری در اوج مشکلات مالی، خود را به زیارت حضرت می‌رسانند. لحظاتی که دیدن آن، اشک را بر گونه‌های انسان جاری می‌سازد. بارها دیده‌اید کسی که توان راه رفتن نداشته یا اصلاً پا نداشته، ولی خود را کشان‌کشان در این مسیر قرار داده است. این جاست که این شعر محتشم کاشانی بر دل‌ها می‌نشیند:

این حسین کیست که عالم همه دیوانه‌ اوست

این چه شمع‌ی است که جان‌ها همه پروانه‌ اوست

این جا دیگر مردم مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی را کنار می‌گذارند و یک‌رنگ می‌شوند و رفتارهای اقتصادی عجیبی از خود بروز می‌دهند که دقیقاً مقابل اهداف جریان نظام سرمایه‌سالار است. در این سفر، صدای شکستن نظام اقتصادی مادی‌گرای لیبرال شنیده می‌شود. این‌گونه حسین بن علی علیه السلام ما را از منجلاب اقتصادی ساخته شده‌ نظام مادی‌گرای می‌بخشد و می‌فرماید: بیاوید این جا و اقتصاد دوران ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیه را تمرین کنید.

رفتارهای اقتصادی اربعینی، الگوی سال اقتصادی مردم

در سفر اربعین، این امام حسین علیه السلام است که محور همه حرکت‌ها می‌شود و مردم رفتارهای اقتصادی خود را با محوریت امام حسین علیه السلام تطبیق می‌دهند. این جریان اقتصادی و رفتارهای اقتصادی پس از اربعین چه می‌شود؟ آیا اگر شیعیان و مؤمنین این رفتار را در طول سال ادامه



دهند، چه خواهد شد؟ آیا می‌شود که اربعین الگوی اقتصادی ما در طول سال بشود؟ آیا می‌توانیم از زندگی تجمل‌گرایی مصرف‌گرایی دنیاطلبانه رهایی یابیم؟ آیا می‌شود که پول، همه‌چیز ما در زندگی نشود؟ چه بلایی بر سر ما آمده است که این‌ها را به عنوان یک کار سخت و نشدنی تلقی می‌کنیم؟

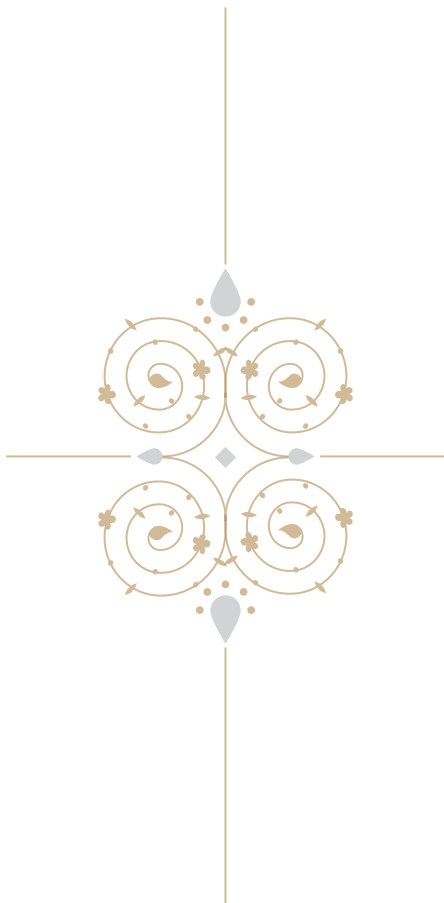
همان‌گونه که در ایام اربعین، امام حسین علیه السلام محور حرکات اقتصادی و رفتاری مؤمنین بود، در طول سال خدا را به عنوان محور اساسی رفتارهایمان قرار دهیم و اربعین را به کل سال سرایت دهیم و هر کاری کردیم، بگوییم **لله است!** همان‌گونه که هر کاری در اربعین می‌شود، می‌گوییم: **لله حسین!**

این‌گونه است که بر اساس آخرت‌طلبی، یک الگوی رفتاری اقتصادی معرفی می‌شود که برگرفته از سفر معنوی اربعین و رفتارهایی است که با محوریت حسین علیه السلام در این سفر انجام می‌شود.



مبحث پنجم

کریمانه و عزتمندانه





اخلاق اربعینی

میزبانان در سفر اربعین، در عطای خود، بالاترین حرمت را به زائران می‌گذارند و کریمانه و عزتمندانه با یکدیگر رفتار می‌کنند؛ درحالی‌که خو و خاصیت استکبار این است که طرف مقابل را خوار می‌کند.

به‌طور کلی رفتار انسان‌ها بر اساس مبانی فکری و اهداف آنها شکل می‌گیرد. در سفر اربعین هدف از زیارت قرب الی‌الله به واسطه امام است؛ همان‌گونه که امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «يُنَا عِبِدَ اللَّهِ وَيُنَا عَرِفَ اللَّهَ وَيُنَا وَجِدَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى».^۱ اصلاً زیارت اربعین یک زیارت کاملاً الهی ست و تمام فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌شود نیز باید برای خدا باشد. برای تحقق این هدف باید، هم روش و منش الهی باشد و هم اصول شرعی و اخلاقی در همین راستا باشد. هدف و نیت در این سفر مشخص است، اما سخن از روش و منش و اصول اخلاقی است.

دستور شرع مقدس اسلام به ما حفظ کرامت یکدیگر است؛ مخصوصاً وقتی رابطه بین افراد درباره مسئله‌ای، دادن یک چیز یا رساندن یک خدمت است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْغُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»؛ ای اهل ایمان! صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید.^۲

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. بقره، ۲۶۴.



مَنّت یعنی به رخ کشیدن نعمتی که به کسی روا داشته‌اید و در روایات و متون دینی بسیار نکوهیده است که فردی با منت گذاشتن، فرد را مورد آزار قرار دهد؛ به حدی که که این عمل، حرام شمرده شده است.

برخورد کریمانه

کریمانه بودن، از جمله اصول اخلاقی اهل بیت علیهم‌السلام است. امام حسن مجتبی علیه‌السلام به «کریم آل‌طه» معروف است. انس بن مالک گوید: یکی از کنیزان امام حسن علیه‌السلام شاخه‌گلی را به ایشان اهدا نمود. امام حسن علیه‌السلام آن شاخه گل را گرفت و به او فرمود: تو را در راه خدا آزاد کردم. به حضرت عرض کردم: با اهدای یک شاخه گل ناچیز او را آزاد کردید؟! امام فرمود: «خداوند ما را (در قرآن) چنین ادب کرده و فرموده است: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا﴾؛ هرگاه کسی به شما تحیت گوید، پاسخ آن را به‌گونه‌ای بهتر بدهید. سپس فرمود: «تحیت بهتر همان آزاد کردن اوست».

رفتار کریمانه امام حسن علیه‌السلام معروف است و امروزه بسیاری از در خانه کریم اهل بیت علیهم‌السلام ناامید بر نمی‌گردند. این رفتار کریمانه را در رفتار افراد در سفر اربعین می‌بینیم. فرد داری سال خود را به کسی که خود را به زحمت انداخته و راهی زیارت مولایش سیدالشهدا علیه‌السلام شده است، کریمانه تقدیم می‌کند؛ بدون آن که مَنّتی داشته باشد و حتی خود مَنّت زوَّار حسین علیه‌السلام را می‌کشد و التماس او را می‌کند تا غبار راه را در منزل او بتکاند.

حفظ عزت افراد

عزت شخص هیچ‌گاه نباید از بین برود؛ زیرا در غیر این صورت، بدترین آثار روانی را می‌تواند بر فرد وارد کند. حفظ عزّت افراد را در رفتار امام حسین علیه‌السلام چنین نقل می‌کنند:

روزی مرد صحرانشین و مستمندی وارد مدینه شد و از مردم سراغ بخشنده‌ترین فرد را گرفت. همه مردم حسین بن علی علیه‌السلام را به او معرفی کردند. وقتی در مسجد به خدمت آن حضرت



رسید و نیازمندی خود را با خواندن چند بیت شعر بیان کرد، امام حسین علیه السلام او را به خانه آورد و به قنبر فرمود: هر مقدار پول در خانه داریم، حاضر کن. قنبر چهارهزار دینار به خدمت آن حضرت آورد و گفت: این تمام پولی است که در اختیار داریم. امام همۀ آن چهارهزار دینار را از پشت در به آن مرد بادیه نشین داد. منظور حضرت از این رفتار آن بود که چشم آن مرد به چشم او نیفتد تا مبادا خجالت زده شود. مرد اعرابی وقتی پول ها را گرفت، درحالی که گریه می کرد، چنین گفت: مگر پول کمی به من بخشیدی که از پشت در آن را به من می دهی؟! در عجبم که چگونه این دست های بخشنده و پربرکت روزی زیر خاک خواهد رفت!

حضرت حتی حاضر نشدند فرد در مواجهه با ایشان اندکی خجالت بکشد و این گونه عزت او را حفظ کردند. این قدر برای عزت اهمیت قائل بودند که در بحبوحۀ جنگ در روز عاشورا و در مقابل لشکر عمر بن سعد این گونه رجز می خواندند:

الموت خیرٌ من ركوب العار

والعار أولى (خیر) من دخول النار^۱

و خوشدل تهرانی چه زیبا سروده است:

بزرگ فلسفۀ قتل شاه دین حسین این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

حسین مظهر آزادگی و آزادی است

خوشاکسی که چنینش مرام و آیین است

نه ظلم کن به کسی و نه به زیر ظلم برو

که این مرام حسین است و منطق دین است

اگر شیعیان حضرت این اخلاق را سرلوحۀ زندگی خود قرار دهند، قطعاً نوع

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۶۶.

۲. همان، ص ۶۸-۱۱۰.



زندگی‌شان بسیار متفاوت با وضعیت کنونی خواهد بود؛ همان‌گونه که این را در زیارت اربعین بین مؤمنین و شیعیان مشاهده می‌کنیم.

منافات نداشتن آخرت طلبی با سودجویی

ممکن است به ذهن بیاید که در همین سفر زیارتی اربعین این‌گونه نیست که افراد همه چیز را تبرّعاً و رایگان به دیگری بدهند. در ایام زیارت اربعین افراد به رایگان اسکان داده می‌شوند و غذا و آب و میان‌وعده‌های فراوانی دریافت می‌کنند، اما سایر خدمات در قبال پرداخت وجه صورت می‌گیرد؛ مانند کرایه حمل و نقل و خریدهایی که افراد در صورت نیاز انجام می‌دهند و سایر مواردی که مشاهده می‌کنیم، در قالب خدمات دولتی ارائه می‌شود.

برای درک بهتر، نیاز به موشکافی مسئله است: خدماتی که در سفر اربعین ارائه می‌شود، از دو جا تأمین می‌گردد:

یک: دولتها

دولتها در سفر اربعین باید نقش تسهیل‌گری خود را ایفا کنند و از پرداختن به تصدی‌گری پرهیزند؛ مثلاً خدماتی که دولتها ارائه می‌دهند، شامل برقراری امنیت زوار، تسهیل در ورود و خروج در مرزها، تأمین نظم و تسهیل دسترسی و فراوانی امکانات مورد نیاز در سطح کلان. در این خصوص در مبحث بعدی درباره رفتارها و اهداف فعالیت‌های اقتصادی توضیحاتی ارائه خواهیم کرد.

دو: مردم

خدماتی که مردم ارائه می‌دهند نیز دو نوع است:

الف) احسان و به صورت تبرّعی

فرد در طول سال کار کرده و در قالب هدیه و احسان، خدمت یا اطعمه و اشربه‌ای را در اختیار زائران قرار می‌دهد. اگر از موکب‌داران پرسیده شود: شما که در اربعین این همه هبه می‌دهید، در طول سال چه چیزهایی



نصیب‌تان می‌شود؟ خواهند گفت: من این‌ها را به واسطه حب حسین بن علی علیه السلام و برای خدا انجام می‌دهم، و عوض این هدیه و احسان را از خداوند طلب می‌کند.

نوع دیگر این‌که عوض احسان‌هایی که در اربعین طلب می‌کنند، لزوماً نباید آخرتی باشد؛ بلکه در همین دنیا هم چیزهایی می‌دهند و افراد رزق مادی سال خود را طلب می‌کنند و دریافت می‌کنند، یا این‌که برای شفای بیمارشان نذر می‌کنند و خدماتی ارائه می‌دهد.

ب) معاملات و خرید و فروش

بخش عظیمی از کارهایی که در سفر اربعین انجام می‌گیرد، در قالب معاملات و خرید و فروش است. برخی به اشتباه تصور می‌کنند که اینها هم باید رایگان و تبرعی باشد که می‌گوییم خیر، این‌طور نیست. قرار نیست نظامات اجتماعی مختل شود. رانندگانی که کار و شغلشان رانندگی است، در خدمت زوار امام حسین علیه السلام قرار می‌گیرند و مسافری را جابه‌جا می‌کنند و باعث می‌شوند چرخ این سفر زیارتی بگردد و خود این خدمت بسیار بزرگی است. این حجم عظیم از مسافران توسط این افراد زحمتکش جابه‌جا می‌شود و این‌ها هزینه‌های سفر است و کاملاً طبیعی است. هزینه‌های سوخت و استهلاک و اجرت این عزیزان نیز باید تأمین شود. همین‌طور مشاغل دیگر که بسیارند و واقعاً نمی‌توان بدون هزینه باشد؛ وگرنه زندگی افراد کاملاً مختل می‌شود و این انتظار که همه اینها تبرعی و رایگان باشد، کاملاً نامعقول است.

اما آن‌چه مهم است، رعایت انصاف توسط همه کسانی است که در معاملات و خرید و فروش‌ها کسب روزی می‌کنند. زیاده‌خواهی و سود نامعقول و غیرمنطقی چیزی است که آسیب‌زننده است؛ یا چانه‌زنی‌های بی‌مورد که فرد را از سود معقول خود بی‌بهره می‌کند. این‌که گفته‌ایم در این سفر برخورد‌ها کریمانه و عزتمندانه است، به این معنا نیست که فقط باید از طرف میزبانان باشد، بلکه این یک فرهنگ است که باید مهمانان



و زوار نیز آن را داشته باشند. این معامله دو سر دارد و هر دو طرف باید مراعات احوال دیگری را بکنند و عزت او را حفظ کرده و کریمانه رفتار کنند.

ارزش افزوده

این گونه موارد در رفتارهای اقتصادی که اخلاق مدارانه است، در واقع یک ارزش افزوده به کار اقتصادی می‌دهد. به عنوان مثال: مستحب است که در برخورد کاسب و مشتری در وزن کردن اجناس، هر کدام به نفع دیگری رفتار کرده، سبک و سنگین کند؛ یعنی مشتری سبک‌تر بگیرد و فروشنده سنگین‌تر. این رفتار کریمانه از سوی هر دو طرف، در واقع برای اقتصاد حاکم بین آنها ارزش افزوده ایجاد می‌کند.

آیا غربی‌ها هم عزتمندانه و بامهربانی رفتار می‌کنند؟

چطور است که ما در غرب و در اوج زندگی مدرنیته هم برخوردهای کریمانه‌ای مشاهده می‌کنیم؟! بر اساس نظام مادی‌گرای غرب که دیگر این مسئله وجهی ندارد.

پاسخ این است که اشکال در چرایی است. این رفتارها لله و از روی قصد قربت نیست؛ بلکه در بهترین حالت یک رفتار انسانی است. افزون بر این که این مسئله در نظام‌های مادی‌گرا رواج دارد که برای جلب مشتری و سود بیشتر فرد موظف است بهترین رفتار را داشته باشد؛ وگرنه شغل خود را از دست می‌دهد. این نظام مادی‌گرا حتی اخلاقیات را نیز به بردگی می‌گیرد و انجام وظایف و نشان دادن روی خوش به دیگران هم برای کسب سود بیشتر است. بنابراین، صحبت از چگونگی نیست و شاید بهتر هم رفتار کنند؛ بلکه صحبت از چرایی است.

حتما بین شما کسانی هستند که در کشورها غربی یا شرقی کسی یا آشنایی داشته باشند و تعریف و تمجید بسیاری از این گونه رفتارها کرده باشند. واقعاً این گونه است که نمی‌خواهیم با عینک بدبینی به همه چیز بنگریم؛ اما این را می‌دانیم که اگر زندگی الهی و برای رضای خدا در جریان باشد، همه این موارد نیز باید برای رضای خدا باشد؛ تا جایی که اگر کاری



برای خدا نباشد، کاری عبث، بیهوده و هباءً منثوراً خواهد بود؛ هرچند که بهترین کارها باشد.

دلیل برخی رفتارهای بد در سفر اربعین

ممکن است در این سفر بسیار دیده باشیم که برخی افراد رفتارهای نامناسبی دارند؛ چه زوّار و چه میزبانان؛ مخصوصاً این که در خستگی و فشار مسافرت هستند، هوا گرم است و عصبیت‌های قومی هم مؤثر است؛ مثلاً برخورد باراننده‌های عراقی یا برخورد در مرزها با نیروهای امنیتی یا موارد مشابه.

یا این که با دیدن رفتارهای بد برخی هم‌وطنان داخل ایران پس از بازگشت از سفر اربعین، برخی در دل خود گفته‌اید که ما در کشور غریب خیلی احترام می‌شدیم، ولی شما با زائر امام حسین علیه السلام چه قدر بد رفتاری می‌کنید و حرمت نگه نمی‌دارید! اگر مدعی هستیم که این سفری معنوی است و رفتارها باید کریمانه و عزتمندانه باشد، پس چرا ما شاهد این گونه رفتارها هستیم؟

باید سم‌زدایی کنیم

واقعاً باید توجه داشته باشیم که تأثیر رفتارهای مادی‌گرایانه بر مردم وجود دارد و هنوز از این آفت‌رهای نیافته‌اند؛ از این رو در موقعیت‌های حساس و پرفشار، آن رفتارها را بروز می‌دهند. آثار و پیامدهای مادی‌گرایی (خصوصاً با حاکم شدن نظام سرمایه‌داری) بر افراد حاکم است و این رفتارها صادر می‌شود. از این رو در بازگشت از این سفر معنوی متوجه وخامت اوضاع می‌شویم و حتی شاید خود ما هم این گونه رفتارها را بروز دهیم، ولی متوجه نبوده‌ایم.

ما مسموم شده‌ایم و باید سم‌زدایی بشویم. حبّ دنیا و غالب شدن اصول مادی‌گرایانه نظام سرمایه‌داری چنان در ما رسوخ کرده که رفتارهای دینی را غیرطبیعی تلقی می‌کنیم.

اگر کسی مقید باشد که قرض الحسنه بدهد، شگفت‌زده می‌شویم.



اگر کسی به خاطر خدا بخشی از درآمد خود را به فقرا اختصاص دهد، تعجب می‌کنیم.

اگر کسی زندگی‌اش بدون تجملات باشد و حرص و ولع دنیا را نداشته باشد، تعجب می‌کنیم.

اگر کسی پول داشته باشد و در بورس سهام نخرد و قرض الحسنه بدهد، این را کاری غیرعقلانه می‌دانیم.

همسایه داری و مراعات حقوق همسایه دیگر چیست؟! یادمان رفته است که اگر کسی گرسنه سر بر زمین بگذارد، ما مسئول هستیم! یادمان رفته که باید منتظر ظهور حضرت باشیم و این انتظار ما جزو اعمال حسنه ما خواهد بود. سبک زندگی سرمایه‌داری در اعماق وجود ما نفوذ کرده و باید از خود سم‌زدایی کنیم.

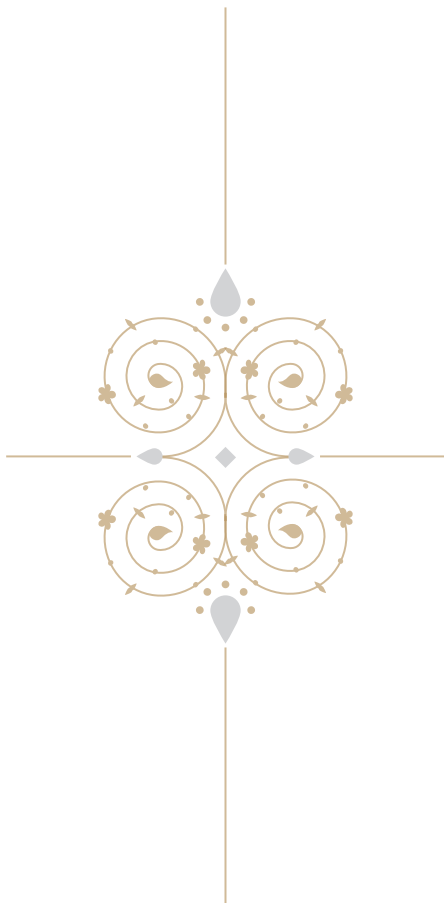
سرایت فرهنگ اقتصادی اربعین به تمام سال

لطف خدا شامل حال ما شده است و زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین ما را به خود آورده است. مشاهده احوال زائران و میزبانان در سفر اربعین و مشاهده رفتارهای اقتصادی حاکم بر این سفر، ما را به فکر می‌اندازد که چگونه می‌توانیم این رفتارها را به تمام مدت سال سرایت بدهیم و این رفتارهای اقتصادی اربعین فرهنگ‌سازی شود.



مبحث ششم

مستقل و مردمی



مردم، موتور محرکه اربعین

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سفر زیارتی اربعین این است که دولت‌ها و قدرت‌ها پشت این حرکت نیستند؛ بلکه این حرکت کاملاً مردمی است و موتور محرکه آن خود مردم و ظرفیت و توانمندی‌های مردم است. البته این بدان معنا نیست که دولت‌ها نقش‌آفرینی نمی‌کنند؛ بلکه این ظرفیت و خواست و تمایل عظیم مردم، دولت‌ها را نیز پای کار می‌آورد.

دو جنبه رفتارهای اقتصادی در اربعین

ابتدا باید توجه کنیم که رفتارها در اربعین را از دو جنبه می‌توانیم بررسی کنیم:

اول: این که اصول حاکم بر این رفتارها قابل تغییر نیست و انحصاری است؛ مانند این که هدف این حرکت و این رفتارها باید برای خدا باشد؛ قرۃ الی الله باشد؛ دائرمدار ولایت باشد، یعنی فقط باید برای خدا باشد؛ یعنی حتی اگر به نام امام حسین علیه السلام انجام می‌شود، به واسطه او تقرب به خدا حاصل می‌شود. حتی در اصول اخلاقی نیز انحصار وجود دارد؛ مانند برخورد‌های مؤمنین با یکدیگر باید کریمانه و عزتمندانه باشد، اگرچه اینها ازجمله اهداف نیست، ولی تحقق آن‌ها انحصاری است و فقط باید این‌گونه باشد؛ وگرنه به اصل کار لطمه وارد می‌شود.

دوم: روش و الگوی انجام کار قابل تغییر است و تحقق آنها انحصاری نیست؛ به این معنا که بنابر شرایط مختلف، روش کار متفاوت می‌شود. ممکن است در یک زمان با توجه به مقتضیات آن، بهترین راه برپایی گردهمایی اربعین اقدام دولت‌ها برای تحقق آن باشد و ممکن است در زمانی تصدی این همایش با شکوه به دست مردم صورت گیرد.

سخن در بخش دوم است و آن این‌که در حال حاضر این حرکت عظیم مردمی اربعین به دست مردم است و حقاً و انصافاً بسیار خوب اداره می‌شود. هر جا که مردم پای کار بیایند، کار این‌گونه انجام می‌شود و مشکل حل می‌گردد.

بیان اهداف و رفتارهای چهارگانه اقتصاد اسلامی

برای درک بهتر این‌که در اربعین دقیقاً چه اتفاقی می‌افتد، ناگزیریم که اندکی به مباحث پیرامون نظام حاکم بر اقتصاد در اسلام بپردازیم:

به‌طور کلی سیر منطقی نظام حاکم بر اقتصاد اسلامی را این‌گونه تبیین می‌کنیم که رفتارهای اقتصادی، از اهداف اقتصادی نشأت می‌گیرد و اهداف اقتصاد نیز از مبانی فکری و نظری اسلام سرچشمه گرفته است. اهداف اقتصادی (با توجه به مبانی اسلامی) چهار تاست:

۱. تأمین منافع مادی شخصی (سودمحوری)؛

۲. پی‌گیری منافع مادی دیگران و منافع آخری خویش (خیرخواهانه)؛

۳. پی‌گیری منافع مادی خود و دیگران (تعاون)؛

۴. پی‌گیری رفاه عمومی و بخش متناسب با آن (دولت).

هر کدام از این چهار بخش در اقتصاد اسلامی جایگاه خود را دارد و نقش آفرینی می‌کند. این چهار هدف، رفتارهای اقتصادی را شکل می‌دهد که می‌شود: سودمحوری، خیرخواهی، تعاون، دولت.

در سفر زیارتی اربعین هر چهار هدف وجود دارد و در نتیجه، این چهار رفتار اقتصادی نیز مشاهده می‌شود:



۱. کسب سود شخصی

افرادی که در حین سفر اربعین کار می‌کنند و سودی هم کسب می‌کنند، مانند: رانندگان وسایل نقلیه، تورهای زیارتی، هتلداران، آشپزخانه‌ها و سایر مواردی که واقعاً در حال برطرف کردن نیازهای ضروری مسافران هستند. رفتارهای آنان پسندیده است، تا زمانی که از حد انصاف خارج نگردند و در رفتارهای اقتصادی خود مرتکب حرامی نشوند.

۲. فعالیت‌های خیرخواهانه

افرادی که از مال و جان خود می‌گذارند و برای زوار خدماتی را به رایگان ارائه می‌دهند؛ مانند تمام موبک‌داران و ایستگاه‌های صلواتی و مضیف‌ها و مبیتهایی که در طول مسیر اربعین بسیار مشاهده کرده‌ایم. ان شاء الله اجر این عزیزان با اباعبدالله الحسین (علیه السلام) باشد که این‌گونه خالصانه و عزتمندانه و کریمانه بازوار رفتار می‌کنند.

۳. تعاون

برخی نیز با همکاری با یکدیگر فعالیت‌های مختلفی می‌کنند و از خدمات گرفته تا هزینه‌های مختلف این سفر را برای زوار تأمین می‌کنند. این‌جا بحث بسیار مفصل است. مقام معظم رهبری تعاون را کلید حل مشکلات کشور می‌دانند.^۱ در اربعین نیز همین‌گونه است: مردم همه باهم اقدام به حل مشکلات و مسائل اقتصادی می‌کنند. عموماً این کار هم به صورت خیرخواهانه انجام می‌شود، ولی در این‌جا نیز اگر سودمحوری باشد، باز هم پسندیده است.

۴. دولتی

دولت‌ها موظفند خدمات عمومی به مردم ارائه کنند؛ چراکه برخی اقدامات باید در بستر ملی و برای رفاه عمومی انجام شود. دولت‌ها موظف به انجام خدمات به مردم هستند و تدبیر امور کلی نیز به دست‌ان آنها خواهد بود.

۱. «تعاون از آن جهت مورد تأیید است که در وضع کنونی کشور می‌تواند سرانگشت گره‌گشایی باشد و کشور را از لحاظ اقتصادی نجات دهد». بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲۱.



تأمین امنیت سفر برای زائرین اربعین، تسهیل ورود و خروج در مرزهای کشور، تأمین امنیت جانی زوار، تأمین امنیت جاده‌ای مسافرین و بسیاری از موارد دیگر نیز بر عهده دولت‌هاست. اگر دولت‌ها خدمات ندهند یا مانع شوند، همان کار دولت صدام را کرده‌اند.

پس از این مقدمه طولانی به این می‌رسیم که اربعین یک همایش مردمی است که خود مردم متصدی برگزاری آن هستند؛ اما اهداف چهارگانه‌ای که بیان شد نیز در این سفر جاری است و هر کس نقش خود را به گونه مطلوب انجام می‌دهد و این‌گونه است که این سفر معنوی شکل می‌گیرد و هر ساله نیز مشتاقان بیشتری در این مراسم بزرگ شرکت می‌کنند.

مردمی بودن اقتصاد یعنی چه؟

با وجود گذشت چندین سال از اعلام «اقتصاد مقاومتی» توسط مقام معظم رهبری و ابلاغ سیاست‌های آن، ولی متأسفانه هنوز تعریفی جامع و رسا از مردمی‌سازی در اقتصاد ارائه نشده است. با این وجود، آن‌چه در عمل در اربعین اتفاق می‌افتد را می‌توان این‌گونه ترسیم کرد که این حرکت توسط مردم و با سرمایه مردم و برای مردم صورت می‌گیرد. اما از آن‌جا که می‌توان از نتیجه عملی یک مسئله تعریف آن را فهمید، می‌توانیم مثال‌هایی از تحقق مردمی‌سازی اقتصادی را بیان کنیم:

اساساً وقتی پای مردم در کاری در میان باشد، کارهای عظیم و حتی ناشدنی ممکن می‌شود. جنگ تحمیلی هشت ساله چگونه اداره شد؟ مگر دولت آن روز اصلاً توان تجهیز و اعزام و پشتیبانی جبهه‌ها را داشت؟ این مردم بودند که پای کار آمدند و در مقابل قدرت‌های مستکبر دنیا ایستادند. جهاد سازندگی بعد از انقلاب را چه کسانی اداره کردند و به حرکت درآوردند؟ مگر جز این بود که مردم اقدام کردند؟ کمیته انقلاب اسلامی در اوج بحران‌ها و ترورهای اول انقلاب چگونه به صورت مردمی شکل گرفت و تا سال‌های پس از جنگ امنیت کشور را برقرار می‌کرد؟



اقدام تحسین برانگیز یک روحانی

یکی از مبلغین^۱ توانمند در مناطق شرقی کشور نقل می‌کند:

در منطقه ما گیاه دارویی به صورت خودرو می‌روید که مورد استقبال مردم منطقه است و همه از آن بهره می‌برند. در طول سالیان گذشته این گیاه به دلایل مختلف از جمله خشک‌سالی و چرای بیش از حد دام، از بین رفته بود. تا این‌که من بذر این گیاه را پیدا کردم و به اندازه دویست سیصد هزار تومان خریداری کردم. از آن‌جا که خودم اهل روستا بودم و چوپانی را خوب می‌دانستم، چوپان‌های زیادی در منطقه می‌شناختم و با خودروی خود به تمام نقاط منطقه رفتم و به چوپان‌ها مشتی از این بذر دادم و گفتم هر جا رفتید، مقداری از آن را بریزید و با پا روی آن را از خاک پر کنید. چوپان‌ها هم که مشتاق رویش دوباره این گیاه بودند، استقبال گرمی کردند و سال بعد منطقه دوباره پر شد از گیاه دارویی.

حالا تصور کنید که یک نهاد دولتی می‌خواست این کار را بکند! مثلاً سازمان محیط زیست تصمیم به احیای این منطقه و این گیاه دارویی می‌گرفت. اول، طرح باید در معاونت طرح و برنامه تصویب شود؛ بعد از پیش‌بینی بودجه و تصویب و تخصیص آن، باید بودجه تأمین شود؛ اگر کار در اولویت‌های اول قرار بگیرد، ابلاغ به استان مربوطه و بعد اعلام به شهرستان و... ممکن است چندین میلیارد بودجه تصویب شده باشد که تخصیص آن کمتر و اختصاص بودجه به استان و شهرستان، از آن کمتر می‌کرد و ممکن بود در جاهایی با اولویت بیشتر در شهرستان خرج شود. اگر چیزی از آن بودجه می‌ماند، باید تیم‌هایی استخدام می‌شدند که با منطقه هم‌آشنایی نداشتند و به همین ترتیب کار ابتر و بی‌سرانجام‌رها می‌شد.

بدون تعارف بگویم که بسیاری از کارها را وقتی دولتی انجام می‌دهیم و دولت متصدی می‌شود، همین‌طور می‌شود. البته این به معنای بی‌ارزش



۱. حجت‌الاسلام محمد صحرایی، مبلغ موفق شهرستان سبزوار.

کردن کارها و خدمات خوب دولت‌ها نیست، اما واقعیت این است که اگر مردم وارد صحنه شوند و دولت تسهیل‌گری کند، اتفاق‌ها به گونه دیگری رقم خواهد خورد.

مردم محور بودن اقتصاد اربعین

کل سفر اربعین یک رویداد کاملاً مردمی است و اقتصاد اربعین نیز به صورت مردمی اداره می‌شود. نباید این اتفاق از دست مردم خارج شود؛ وگرنه به آفت‌هایی دچار می‌شود. دولت‌ها و مسئولین نباید بیش از تسهیل‌گری اقدام دیگری انجام دهند.

نقش دولت‌ها چیست؟

دولت باید جاده‌ها را اصلاح کند؛ گیت‌های ورودی و خروجی مرز را راه‌اندازی کند و کمبود آن را جبران کند؛ پاسپورت‌ها را به موقع صادر کند و بسیاری از کارهای دیگر را نیز انجام دهد. اگر دولت به دنبال تصدی‌گری باشد، هم نمی‌تواند اقدام مؤثری انجام دهد و هم باعث تخریب کار نیز می‌شود و ممکن است این حرکت را به سمت و سوی سیاست‌های خود بکشاند.

وام ۲۳ درصدی اربعین!

مردادماه سال ۱۴۰۲ بانک ملی اقدام به پرداخت وام ۱۰ میلیون تومانی به زائرین اربعین نمود که در فضای مجازی حرف و حدیث‌های بسیاری ایجاد کرد؛ وامی که ۲٫۵ میلیون آن مسدود می‌شد و از طرفی بازپرداختی با سود ۲۳ درصد داشت! بحث شدیدی بین مجموعه‌های مختلف درگرفت که این سود، ربا و حرام است و چرا می‌خواهید زیارت اربعین را به این گناه آلوده کنید؟! پاسخ‌هایی نیز از طرف مجموعه‌های مختلف داده شد. فعلاً در صدد اثبات ربا بودن یا نبودن آن نیستیم، ولی ببینید یک حرکت نسنجیده چطور می‌تواند مردم را به تلاطم بیاندازد و نگاه‌ها را به سفر اربعین خراب کند. به علاوه این که آیا این عدالت است که مبلغی صرفاً برای افرادی که به اربعین می‌روند، تخصیص داده شود؟ پس افراد دیگری که نمی‌روند چه؟ ادیان و مذاهب دیگر چطور؟



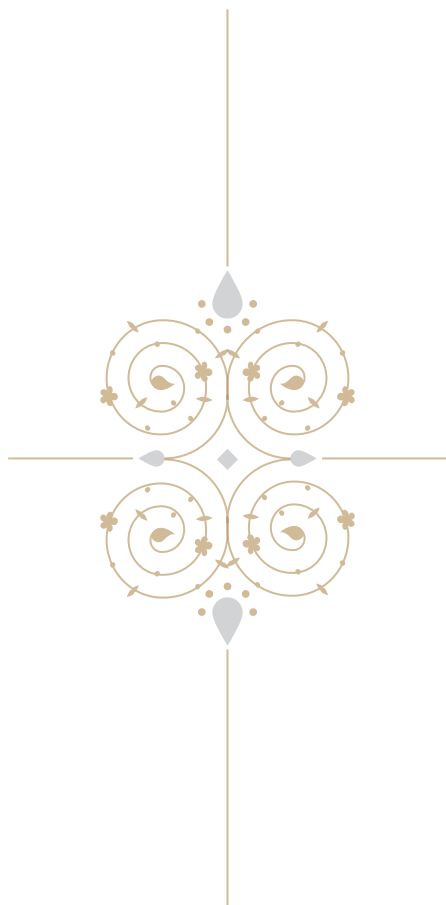
تأسیس صندوق تعاونی اربعین

حتی این کار را نیز باید به مردم واگذار کرد. حتماً دیده‌اید که وام‌های خانگی چگونه بین برخی رواج یافته است که از این سودها و مبالغی که بانک‌ها می‌گویند، خبری نیست. این مدل و الگوی بسیار ابتدایی است که البته جواب هم داده و مشکلات مردم را به صورت قرض الحسنه حل کرده است. اما می‌توان یک صندوق ویژه سفر اربعین توسط خود مردم راه‌اندازی شود و در طول سال اقدام به جذب سرمایه‌گذار در این صندوق نمود و حتی اگر توانایی باشد، این صندوق اقدام به فعالیت اقتصادی کند و سود فعالیت اقتصادی تعاونی در اختیار زوار اربعین قرار گیرد. طبیعتاً زوایای مختلفی دارد که افراد متخصص می‌توانند آن را طراحی و اجرا کنند.

سرایت دادن مردم محوری اقتصاد به کل سال

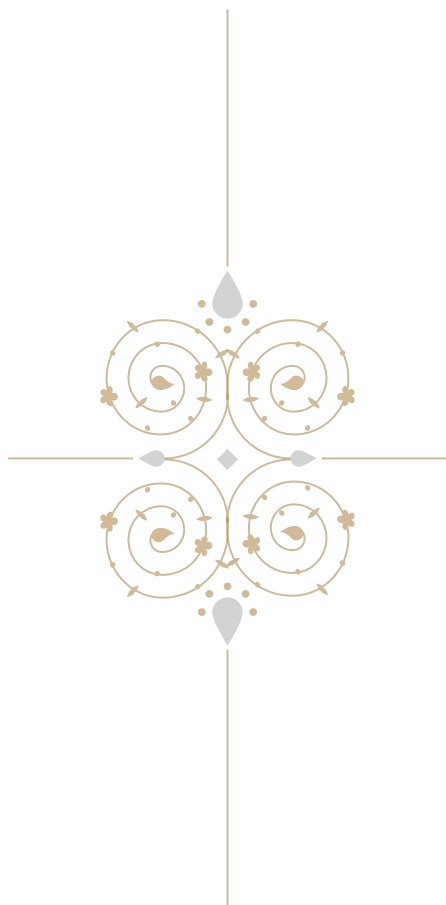
یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، مردم محوری است که ما آن را در جریان سفر زیارتی اربعین مشاهده می‌کنیم؛ وگرنه دولت‌ها نمی‌توانند این حجم از زائر را سامان‌دهی کنند. در اتفاقات دیگری نیز در طول سال‌های گذشته انقلاب شاهد این بوده‌ایم که چگونه مردمی‌سازی و مردم محوری می‌تواند مشکلات را حل کند. امروزه که مشکل اقتصادی در کشور ما وجود دارد و جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه مردم ما در جریان است، با الگو گرفتن از اقتصاد اربعین می‌توانیم بر مشکلات اقتصادی غلبه کنیم. یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های غلبه بر مشکلات، تعاون است. همان‌گونه که قبل‌تر هم بیان شد، کلید حل مشکلات اقتصادی کشور، تعاون است و امیدواریم که با الگو گرفتن از سفر اربعین بتوانیم مردم محوری را در کشور نهادینه کنیم که البته شروطی دارد که باید در جای مناسب، به‌طور مفصل به آن پرداخت.





مبحث هفتم

عدالت محوری



ابتدایی‌ترین هدف عدالت

«عدالت» واژه‌ای است که همه نوع بشر به دنبال تحقق آن هستند و در طول تاریخ بسیاری بوده‌اند که مدعی تحقق آن بوده‌اند. تحقق عدالت، یکی از اهداف پیامبران نیز بوده است و بسیاری از پادشاهان هم به عدالت معروف شده‌اند؛ مثلاً برخی پادشاهان ساسانی را به دادگر بودن معروف کرده‌اند، مانند انوشیروان دادگر. البته نمی‌دانیم آیا واقعا عادل بوده یا نه، و البته معروف است که «تاریخ را فاتحان می‌نویسند». این مطلب برای سال‌های بسیار دور نیست؛ بلکه بعد از جنگ جهانی دوم که حدود ۷۰ سال از آن می‌گذرد، فاتحان جنگ هنوز هم بدترین انسان‌ها را نازی‌های آلمانی و فاشیست‌ها معرفی کرده، خود را تطهیر می‌کنند؛ گویی این نازی‌ها بودند که بمب اتم بر سر مردم ژاپن انداختند!

در هر حال، هر کس طبق نظر خود تعریفی از «عدالت» ارائه کرده است. در این جا به دنبال تعریف جامع و مانع عدالت نیستیم و آن را به مطالعهٔ عزیزان خواننده وامی‌گذاریم؛ اما ابتدایی‌ترین چیزی که می‌توان در مورد عدالت گفت، این است که بهره‌مندی عموم جامعه از امکانات می‌تواند بخشی از عدالت باشد. در اقتصاد همین مسئله ابتدایی بسیار مهم است که عموم جامعه از امکانات مادی به میزان کافی بهره‌مند باشند و این حق همه است.



دولت ثروتمندان

یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، «عدالت محوری» است و از طرفی «دولت ثروتمندان» مهم‌ترین مصداق بی‌عدالتی اقتصادی است. قرآن کریم می‌فرماید: **﴿لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾**^۱؛ خداوند غنایم را نصیب پیامبر ﷺ کرده تا میان توانگران دست به دست نشود.

برای تحقق عدالت «برنامه‌ریزان اقتصادی در نظام اسلامی باید به تعدیل ثروت و عدم تمرکز آن در دست يك گروه خاص توجه داشته باشند».^۲ این جاست که می‌بینیم یکی از مهم‌ترین موانع تحقق عدالت، انباشت ثروت در دست عده‌ای ثروتمند و محروم ماندن قشر ضعیف جامعه است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

در خصوص مسئله اقتصاد، آقایان بحث‌های خوبی کردید. **﴿لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾** یک معیار مهمی است. مسئله عدالت بسیار مهم است. یکی از ارکان اصلی این الگو [الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت] باید حتماً مسئله عدالت باشد. اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومت‌هاست؛ یعنی در اسلام اگر چنان‌چه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است.^۳

حسرت قشر متوسط و ضعیف

یکی از موانع مهم عدالت محوری، ایجاد طبقه‌بندی اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. یکی از اثرات روانی نبود عدالت محوری در جامعه، این است که مردم همواره در آرزوی قرار گرفتن در جای این افراد ثروتمند هستند؛ مانند آیه‌ای که در قرآن درباره قارون آمده:

۱. حشر، ۷.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۵۴۴.

۳. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰.



«وَلَا تَتَّبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»^۱ «و هرگز در زمین در جست و جوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد!

اما او در پاسخ گفت: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيَهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي»^۲ این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است، به دست آورده‌ام.

«فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ»^۳ پس آراسته به زیورهای خود به میان مردمش آمد. آنان که خواستار زندگی دنیوی بودند، گفتند: ای کاش ما نیز آن چه به قارون داده شده را داشتیم، که او سخت برخوردار است.

در عصر حاضر مبتلا به افرادی هستیم که ثروت قارون شاید حتی بخشی از ثروت آنها هم نباشد. آمار و ارقام متفاوتی از ثروتمندان جهان اعلام می‌شود؛ به عنوان نمونه: یکی مؤسسات تحقیقاتی مشهور^۴ در گزارش سالیانه خود اعلام کرد: «حدود ۴۳٫۴ درصد از ثروت جهان در اختیار تنها یک درصد از جمعیت جهان است. هم‌چنین با تجمیع آمارها مشخص می‌شود که ۸۴ درصد ثروت جهان در اختیار تنها ۱۲ درصد از جمعیت جهان است»^۵.

بیل گیتس و قارون!

مردم حسرت زندگی بیل گیتس‌ها و ایلان ماسک‌ها و رونالدوها و امثال آنها را می‌خورند و لب می‌گزند که ای کاش ما هم مثل این آدم‌های پولدار بودیم! عجب شباهتی بین اینها و قارون هست! عجیب‌تر این که قارون هم ثروت خود را از علم خود می‌دانست و درباره بیل گیتس هم می‌گویند «نابغه دنیای تکنولوژی» و از این راه چنان ثروتی به دست آورده و کلاس‌ها و سخنرانی‌هایی درباره موفقیت در کسب و کار و زندگی برگزار می‌کند؛ یعنی

۱. قصص، ۷۷.

۲. قصص، ۷۸.

۳. قصص، ۷۹.

۴. مؤسسه تحقیقاتی کردیت سوئیس (Credit Suisse Research Institute)

۵. <https://tn.ai۲۴۱۰۸۸۰>



ای مردم دنیا! اگر می‌خواهید موفق باشید، باید ثروتمند باشید، و این شعار قرن بیست و یکم است!

اما عجیب‌تر از همه این‌که وقتی با جوانی صحبت می‌کنی که آیا عدالت را دوست داری، سریع و صریح جواب می‌دهد: آری! اما وقتی از او می‌پرسی نظرت درباره امثال بیل گیتس چیست، انگار آب از دهانش جاری می‌شود و شروع می‌کند به تعریف از او و امثالش. تمام حرف این جاست که نوع زندگی‌ای که اینها ارائه می‌کنند، به دلیل تداول ثروت، خودش ضد عدالت است. هر روز هم با راه‌های جدید و ابزارهای مختلف بر ثروت خود می‌افزایند و قشر ضعیف حتی از امکانات اولیه دنیایی هم بی‌بهره می‌شوند.

اربعین و عدالت محوری

با نگاهی به سفر زیارتی اربعین می‌بینیم که امکانات مادی تا حد امکان برای عموم جامعه فراهم است. گفتیم که واقعاً در صد ارائه تعریف دقیقی از عدالت نیستیم، اما حتی همین نگاه گذرا به اربعین هم ما را شگفت‌زده می‌کند. هیچ‌کس گرسنه و تشنه و بی‌سرپناه نمی‌ماند و به برکت محبت به امام حسین علیه السلام همه یکدیگر را در بهره‌مندی از امکانات یاری می‌کنند.

واقعاً در سفر اربعین محاسبات مرسوم اقتصادی دنیا و انباشت ثروت در دست عده‌ای وجود ندارد و همه با هم حول یک محور معنا می‌شوند و آن شعار «حُبِّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا» است که قلوب را به هم نزدیک کرده و این‌گونه رفتارهای اقتصادی دور از منفعت‌طلبی صرف دنیایی بروز می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین آثار اربعین به عنوان یک جریان عظیم در جهان امروز، شکست «دولة بین الاغنياء» یا دولت ثروتمندان است و شعار اصلی‌اش این است که قرار نیست یک عده بهره‌مند باشند و عده‌ای تنها حسرت داشته‌های آنها را بخورند.



نبود تفاخر و تکاثر

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ؛ بدانید که زندگی این جهان بازیچه است و بیهودگی و آرایش و فخرفروشی و افزون طلبی در اموال و اولاد.^۱

«تکاثر» به معنای مباهات و فخرفروشی به یکدیگر است و در واقع مسابقه زیاده خواهی در اموال و اولاد، و مباهات کردن به آنهاست. «تفاخر» هم دور از این معنا نیست؛ یعنی فخرفروشی به داشته های خود بر دیگران.

امیرالمؤمنین علیه السلام به صراحت و بی پرده، بعد از بیان واقعیت و چستی انسان می فرماید: «مَا لَيْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ؟ أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ وَآخِرُهُ جِنْفَةٌ، وَلَا يَزُوقُ نَفْسَهُ وَلَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ؛» فرزند آدم را با فخرفروشی چه کار؟! او که در آغاز نطفه ای گندیده، و در پایان مرداری بدبوست؛ نه می تواند روزی خویش را فراهم کند، و نه مرگ را از خود دور نماید.^۲

نقطه آغاز شکست عدالت محوری، تفاخر و تکاثر است. همین که زیادی مال برای انسان دارای اهمیت شود و نقطه برتری خود بر دیگران گردد، زندگی مادی تجلی خواهد یافت و مگر افسار این زندگی مادی را می توان به این راحتی کشید؟ انسان هر کاری می کند تا زیاده طلبی خود ارضا کند و به وسیله آن بر دیگران فخرفروشی کند.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ».^۳ دو کلمه در این آیه هست:

«مختال»: آدم خیالباف و خیالاتی، که فکر می کند از دیگران بهتر است.

«فخور»: آدمی که به بقیه فخرفروشی می کند.

اگر این دو صفت باهم در کسی جمع شود، نه تنها خیال می کند که از همه بهتر است، بلکه به همین هم افتخار می کند! یعنی دو خطای محاسباتی

۱. حدید، ۲۰.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۴.

۳. لقمان، ۱۸.



را باهم دارد. این جاست که لقمان حکیم به فرزندش می‌فرماید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»؛ صورت خود را متکبرانه از مردم برنگردان و بر زمین با فخر و خودپسندی گام برمدار.^۱

خیلی وقت‌ها خیال می‌کنیم که خبری است و جوری راه می‌رویم که فراموش کرده‌ایم تا چند وقت پیش چهار دست و پا راه می‌رفتیم و چند وقت دیگر هم باید با عصا و ویلچر خودمان را به این طرف و آن طرف بکشیم!

می‌گویند عابدی که مورد احترام اهل محل بود، از راهی می‌گذشت که متوجه شد پسری بدون این‌که به او اعتنا کند، از کنار او رد شد. او را خطاب قرار داد و گفت: ای پسر! مگر عابد بزرگی چون مرا نمی‌بینی که سلامی نمی‌کنی و می‌گذری؟! پسرک نگاهی به او انداخت و گفت: نه، من عابدی نمی‌بینم. مگر نه این‌که عابدان همیشه خویش را مقابل خداوند می‌بینند و خود را حقیر می‌شمارند؛ پس تو چگونه خود را در مقابل خداوند، بزرگ مینامی و حال آن‌که عابدان همیشه بی‌نیاز از دنیا و امور دنیوی هستند. پس تو چگونه خود را به سلام کودکی چون من محتاج دیدی؟! برو ای عابد و به عبادت خویش نزد مردم فخر مفروش که فخرفروشی بزرگ‌ترین گناه است. عابد هراسان و پریشان برای استغفار به بیابان پناه برد.

اثر تفاخر و تکاثر در اقتصاد جامعه

یکی از مهم‌ترین بدی‌های تفاخر و تکاثر در جامعه این است که پیوندهای اجتماعی را از هم می‌گسلد و باعث تکه‌تکه شدن جامعه می‌شود. از همین جا طبقات اجتماعی به وجود می‌آید و بی‌عدالتی حکمفرما می‌شود. وقتی جامعه را به فقیر و غنی تقسیم کنیم و برخی را برتر از دیگران بدانیم، یک شکاف بزرگ بین جامعه و مردم ایجاد کرده‌ایم. مردم دو دسته شده‌اند: دارا و ندار؛ فقیر و غنی. یعنی کسانی هستند که به همه امکانات مادی و رفاهی دسترسی دارند و حتی از زیادی آن امکانات نمی‌دانند چه کار کنند، و عده‌ای هم هستند که در حسرت لقمه‌نانی برای خود و زن و



فرزندشان هستند. در زندگی امروزه به واسطه بی‌عدالتی اجتماعی چنان مانور تجمل گسترش یافته که روح و روان انسان‌های مستضعف را آزرده می‌کند.

فاصله طبقاتی و شکاف بین بالا شهر و پایین شهر نمونه بارز و آشکار آن است و حسرت و حرص و ولع طبقات پایین دست برای دستیابی به ثروت را می‌توان مشاهده کرد. کافی است در رفتارهای فوق تجمل‌گرایانه برخی بلاگرها در فضای مجازی دقت کنیم و نهادهای این فرهنگ را مشاهده کنیم که انسان‌ها به جای عدالت‌گرا شدن، تبدیل به عناصری برای تحقق مادی‌گرایی و تجمل‌گرایی شده‌اند.

مافیا چگونه شکل می‌گیرد؟

با قدرتمند شدن طبقات بالا، مافیا شکل می‌گیرد و طبقات پایین ضعیف‌تر می‌شوند. در این صورت جامعه یک دست نخواهد بود و عدالت از بین می‌رود و این مافیا هر روز مانع و سدی در برابر آرزوهای قشر عظیمی از جامعه می‌شود که در حسرت یک زندگی پراز رفاه هستند. این دست‌های پشت پرده و مافیا چگونه از دل تفاخر و تکاثر شکل می‌گیرد و زندگی انسان‌ها را در خود هضم می‌کند؟ چرا بیشتر امکانات مادی در دست تعداد محدودی قرار گرفته و روزه‌روز این هیولای مادی‌گرای قوی‌تر شده و مردم را استثمار می‌کند؟ راه‌هایی از این بلای خانمانسوز چیست؟

در سفر اربعین تفاخر و تکاثر وجود ندارد!

این جاست که دوباره باید به دامان اهل بیت و امام حسین علیه السلام پناه ببریم و از فرهنگی که پیرامون بزرگداشت و تعزیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام شکل گرفته، الگو بگیریم. تفاخر و تکاثر باید از زندگی‌های ما حذف شود. نمونه‌اش را در سفر زیارتی اربعین مشاهده می‌کنیم:

تفاخر: در اربعین، فخرفروشی نیست و اگر باشد، خلوص ارکارشان گرفته می‌شود و مردم این را متوجه می‌شوند و به همین دلیل می‌بینید که به موکب‌ها و مجموعه‌هایی ضعیف‌تر، ولی خالص‌تر توجه می‌کنند. اگر هم



کسی کاری برای فخرفروشی نکند، اولاً خلوص نیت از او گرفته شده و در تداوم راه دچار مشکل می‌شود، و دوم این‌که وقتی در مسیر قرار می‌گیرد، او نیز اصلاح می‌گردد؛ مانند فریضهٔ امر به معروف، که دربارهٔ آن آمده است: اگر کسی مبتلا به منکری است، امر به معروف و نهی از منکر کند تا به مرور، آن منکر از خودش نیز برطرف شود. این از اثرات ولایت است.

تکثیر: در اربعین، اقتصاد کوثری است، نه تکاثری. مبنای حرکت و رفتارهای مردم بر ایثار است؛ چون رفتارها بر اساس روابط انسانی شکل می‌گیرد و افراد یک‌سان دیده می‌شوند. رئیس و مرئوس وجود ندارد؛ مال من و تو ندارد؛ همه باهم شریک مشاعی هستند. لذا می‌بینید اقتصاد اسلامی، اقتصاد مشارکت است، نه اقتصاد خصوصی. تعاون و تعاونی جلوه‌ای از مشارکت است. تکاثر در آن جایی ندارد. هرچه هست، برکت است که از ایثار نشأت می‌گیرد. اربعین پر است از این‌گونه ویژگی‌ها و فقط کافی است انسان با دقت نگاه کند.

شاید فرمایش امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: زائر امام حسین علیه السلام در نزد حوض کوثر مقامی بسیار بالا دارد^۱ نیز از این باب باشد که هیچ‌کس در وارد شدن بر حوض کوثر از او سبقت نمی‌گیرد و این کوثر و برکتی است که به واسطهٔ زیارت حضرت شامل حال زائران شده است.

دور از غلّ و غش

یکی دیگر از ویژگی‌های اقتصاد اربعین، دوری از غلّ و غش و فریب است. اصلاً این‌جا دیگر جای غلّ و غش نیست. «غش» در معامله، یعنی مخلوط کردن مال خوب و بد و یکی از موارد حرمت در معاملات است. در معامله با خدا و با امام حسین علیه السلام که دیگر انسان باید خالصاً و مخلصاً خدمت‌گذار این دستگاه باشد. شاید سرّ این‌که این‌گونه

۱ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند متعال زوّار قبر مطهر امام حسین ۷ را مورد اکرام قرار داده و آتش جهنّم را از رسیدن به آنها باز می‌دارد، و زائر در نزد حوض کوثر مقامی بسیار مرتفع و مرتبه‌ای لا یتناهی دارد و امیر المؤمنین ۷ که در کنار حوض ایستاده‌اند با او مصافحه کرده و وی را از آب سیراب می‌فرماید و احدی در وارد شدن بر حوض بر وی سبقت نمی‌گیرد» حدیث باب ۴۴ حدیث ۱ کامل الزیارات



خدمت‌گذاری خادمین و حتی قدم زدن زائرین به دل می‌نشیند، همین امر باشد.

منفعت‌طلبی، اساس غلّ و غش

اساس غش، بر فریب و منفعت‌طلبی است و در اقتصاد مادی‌گرا یکی از اصول کسب حداکثر منفعت شخصی است؛ از این‌رو فرد مجاز است که هر عملی را در این راستا انجام دهد. با این تفکر، جای خوب و بد عوض می‌شود و شخص هر کاری بکند، برای کسب منفعت شخصی مجاز و مطلوب است. به همین دلیل، جنس خوب و بد را مخلوط می‌کند و می‌فروشد.

اما در اربعین، فرد همه‌دارایی‌اش را وامی‌گذارد و به دنبال خالص بودن است، نه مخلوط کردن خوب و بد. اصلاً منفعت‌طلبی در این مسیر کسب رضایت و قرب الهی و نزدیکی به امام حسین علیه السلام است. مردم این را می‌فهمند و می‌گویند: این‌جا اربعین است و جای این کارها نیست.

سر خدا نمی‌شود کلاه گذاشت!

در واقع وقتی فرد به حق خود قانع نباشد، به دنبال فریب‌کاری در معامله است، که این در مقابل عدالت است و حق سایر افراد توسط او غصب می‌شود. این‌جا که دیگر مخاطبش خداست و خریدارش هم خداست و خدا در دنیا و آخرت جزا می‌دهد، پس جایی برای فریب‌کاری نمی‌ماند. به قول معروف: سر هر کس کلاه بگذاری، سر خدا را نمی‌توانی.

اگر همه‌جا را محضر خدا ببینیم، باید هم همین‌گونه باشد، نه این‌که فقط در سفر اربعین و زیارت و مجالس اهل بیت علیهم السلام. وقتی همه‌جا خدا حاضر و ناظر باشد، دیگر جایی برای فریب نیست. اتفاقاً هرچه خالص‌تر، بهتر و مقبول‌تر است.



دور از حرص و طمع

نسبت حرص و طمع با عدالت

بین عدالت طلبی و حرص و طمع چه نسبتی برقرار است؟

اولاً؛ در تعریف علم اقتصاد می‌گویند: «اختصاص منابع محدود به نیازهای نامحدود»؛ اما آیا این تعریفی که در نظام سرمایه‌داری می‌کنند، صحیح است؟ آیا واقعاً منابع محدود است؟ آیا نیازهای ما انسان‌ها واقعاً نامحدود است؟

طبیعی است در این نظام فکری که همه، منافع را برای شخص می‌خواهند، تزاحم پیش می‌آید و انسان‌های منفعت‌طلب باید با همدیگر بجنگند و بر اساس قانون جنگل، هر کسی قدرت بیشتری داشت، سهم بیشتری از دنیا نصیب او شود. اما این بدان معنا نیست که منابع نامحدود است؛ بلکه باید گفت: این حرص و طمع انسان است که نامحدود است و تمامی ندارد.

ولی در اربعین می‌بینیم و می‌فهمیم که منابع محدود نیست؛ لذا بهره‌مندی هست و نعمت هم فراوان است. این نمونه کوچکی از حکمرانی اوامر الهی بر روی زمین است که افراد با ایثار و از خودگذشتگی منابع را برای بهره‌مندی همه افراد آماده می‌کنند.

ثانیاً؛ این منابع نامحدود به همه طبقات می‌رسد؛ یعنی در واقع در نظام توزیع نیز عدالت حکمفرماست. این‌گونه نیست که برخی آن قدر داشته باشند که فقط بخورند و برخی از گرسنگی بمیرند. واقعاً نیازهای انسان هم محدود است و این تصور نادرستی که مادی‌گرایان بر ما تحمیل کرده‌اند، از اساس غلط است. این فراوانی نعمت باعث می‌شود که افراد تعدیل شوند و حرص و طمع نداشته باشند.

اما در همایش پیاده‌روی اربعین چگونه است؟ کافی است نگاهی بیاندازیم و ببینیم جنس حرص و طمع در اربعین از چه جنسی است:



حرص و طمع میزبانان در پذیرایی از زائران

حرص و اشتیاق وافر میزبان، در خدمت کردن به زوار است. به همین دلیل هم به زوار التماس می‌کنند تا اجازه دهند که از آن‌ها پذیرایی کنند و حتی گاهی میزبانان بر سر این کار، بایکدیگر دعوا هم می‌کنند.

حرص در این جا مطلوب است. (رقابت در خیر فاستبقوا الخیرات) رقابت معادل حرص و طمع است؛ لذا مذموم است. ولی در روایات، رقابت فقط در امور خیر مطلوب است.

حرص و طمع برخی زوار

گاهی ممکن است رفتارهای کودکانه‌ای از برخی زوار که با مراسم اربعین آشنا نیستند، مشاهده شود. لذا برخی افراد ممکن است در استفاده از امکانات، ابتدا حرص و طمع داشته باشند، ولی به مرور متوجه می‌شوند که این جا اصلاً این گونه به مسائل مادی نگاه نمی‌کنند و حتی خود این افراد بعدها جزو خدمت‌گذاران و موکب‌داران می‌شوند.

